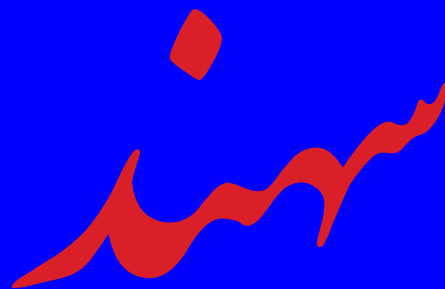


نشریه کمیته آذربایجان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
سردبیر: فراز آزادی



ویژه نامه زبان مادری  
دوره دوم شماره 6، اسفند 1395 فوریه 2017

## اعتبار زبان های رایج در کشور

ممنوعیت زبان رسمی اجباری. دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد.

( از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران )

## در این شماره:

جنگ ناسیونالیستی بر سر زبان! - محسن ابراهیمی

زبان مادری و جایگاه سیاسی آن در دنیای امروز - فراز آزادی

مصاحبه بابک شفق با اعضای کمیته آذربایجان در رابطه با زبان مادری

زبان مادری و برخورد ناسیونالیستها - مصاحبه فراز آزادی با سرور کاردار

در باره اصالت زبان مادری! - جلیل جلیلی

اخبار کارگری - شهلا خباززاده

نابود سازی دریاچه ارومیه توسط جمهوری اسلامی ادامه دارد- شهلا خباززاده

آنادیلی گونی و اینسانی دوشونجه - بابک شفق

بابک شفقین مصاحبه سی کمونیست کارگری پارتی سنن آذربایجان کمیته سینن عضولرینن

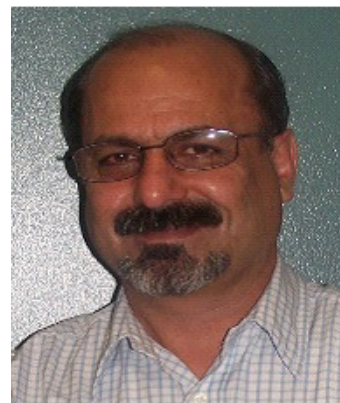
آزادی، برابری، حکومت کارگری

## زبان فقط یک ابزار بی خاصیت نیست!

زبان به خودی خود و بدون ارتباط انسانها در روابط اجتماعی‌شان وجود خارجی ندارد. تصور اشاره‌ها و تصاویر و علایم و کلمات و واژه‌ها و جملات بدون افراد در روابط اجتماعی‌شان غیر ممکن است. زبان همراه و به موازات رابطه انسان با طبیعت و انسانهای دیگر شکل گرفته، تکامل یافته و نهایتاً به مرحله پیچیده کنونی رسیده است. تصور زبان بدون انسان اجتماعی، همانگونه که تصور انسان اجتماعی بدون زبان، غیر ممکن است.

اگر زبان بدون انسان اجتماعی وجود خارجی ندارد پس زبان الزاماً همراه همین انسان و تکامل فکری و اجتماعی و سیاسی‌اش کارکردهای متنوع و پیچیده‌تری را عهده دار میشود. زبان ابزار فکر کردن است، وسیله ابراز وجود عاطفی، اجتماعی و سیاسی است. ابزار تهییج و تبلیغ و بسیج کردن است. ابزار تشجیع است. ابزار ارباب است. ابزار افشاگری است. ابزار پنهانکاری است. ابزار حقیقت‌گویی است. ابزار وارونه‌کردن حقایق است. می‌بینیم که زبان یک ابزار فردی در خود و بی خاصیت نیست. تصور زبان به مثابه صرفاً یک ابزار جایگاه زبان را به مثابه یک موجودیت ساده مکانیکی پایین می‌آورد. زبان کارکرد اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک دارد و بسته به اینکه از طرف چه کسانی و برای چه اهدافی به کار برده میشود میتواند نقش کاملاً متضادی ایفا کند.

همین امروز در جریان تحولات اکراییین، نقش ایدئولوژیک و سیاسی زبان را میتوان به وضوح مشاهده کرد. در اکراییین سه نیرو در مقابل هم هستند. روسیه و بورژوازی مدافع روسیه از یکطرف و غرب و اتحادیه اروپا و بورژوازی مدافعش از طرف دیگر و در مقابل همه اینها نیروی سومی که که خواهان زندگی بهتر هستند و اساساً در اعتراضات "میدان" تبلور یافته‌اند. حزب "آزادی" فوق ناسیونالیستی غرب اوکرایین به مثابه بخشی از تبلیغات سیاسی‌اش مبتکر کنار گذاشتن زبان روسی از قلمرو زبان رسمی شد. در مقابل "روشنفکران"؟! (اعلام کردند که یک روز را به عنوان اعتراض متقابل، به زبان روسی صحبت خواهند کرد). این تقابل یک جنگ سیاسی است که از مسیر استفاده سیاسی از زبان پیش میرود. مساله واقعی هیچ کدام از قطبهای این کشمکش خود زبان روسی یا اوکرایینی نیست. همه اینها دارند از ناسیونالیسم زبانی برای به فرجام رساندن یک کشمکش سیاسی پایه‌ای استفاده سیاسی میکنند.



**توضیح:** این بخش سوم از سلسله مقالات تحت عنوان "ستم ملی در آذربایجان و راه حل آن" به قلم محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری است که قبلاً در شماره 5 سهند نشریه کمیته آذربایجان منتشر شده است. به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی زبان مادری این بخش را مجدداً منتشر میکنیم.

## جنگ ناسیونالیستی بر سر زبان!

محسن ابراهیمی

[ebrahimi1917@gmail.com](mailto:ebrahimi1917@gmail.com)

در بخش دوم این سلسله مقالات میخواستیم به خصوصیات مشترک ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم ترک بپردازیم. با توجه به اینکه روز جهانی زبان مادری را به تازگی پشت سر گذاشتیم این قسمت را به ناسیونالیسم و مساله زبان اختصاص میدهیم. مخصوصاً اینکه یک وجه مهم خصوصیات مشترک ناسیونالیستها - مستقل از اینکه در حاکمیت هستند یا در اپوزیسیون - استفاده سیاسی از زبان به عنوان وجه مهمی از هویت سازی ملی است.

لازم است در همین آغاز مجدداً تاکید کنیم که ناسیونالیسم تحت ستم نداریم. این مردم هستند که تحت ستم هستند و ناسیونالیسم کارش این است که با مراجعه به ستم بر مردم معینی مظلوم نمایی کند و برای اهداف ارتجاعی مشروعیت و حقانیت کسب کند. این ادعا در مورد زبان هم صادق است. این مردم تحت ستم هستند که در رابطه با زبان مادری‌شان مورد تبعیض قرار میگیرند. این مردم ترک زبان هستند که هم در نظام سلطنتی و هم در نظام جمهوری اسلامی از تحصیل و آموزش و فعالیت فرهنگی و هنری به زبان مادری محروم بوده‌اند. کار ناسیونالیسم ترک سرمایه‌گذاری روی این ستم بوده تا اهداف سیاسی خودش را پیش ببرد. در مورد اهداف ناسیونالیسم ترک به بخش اول این سلسله مقالات تحت عنوان "معنای ناسیونالیسم و ستم ملی در آذربایجان" مراجعه کنید.)

## جنگ ناسیونالیستی بر سر زبان!

### ناسیونالیسم ایرانی و ستم زبانی در آذربایجان!

با این تبیین از جایگاه زبان میتوان به هدف سیاسی ناسیونالیسم ایرانی در تعرض به زبانهای دیگر از جمله زبان ترکی پی برد.

ناسیونالیسم ایرانی میراث سیاسی دوران رضاشاه است که نقش سیاسی اش این بود که جغرافیای ایران را به عنوان یک بازار کار و سرمایه بزرگ در چهارچوب "یک کشور و یک ملت و یک دولت" سازمان دهد. رضا شاه به نمایندگی از بورژوازی نوپای ایران و برای تثبیت قدرت طبقاتی این طبقه پا به میدان گذاشت. خدمت اصلی رضا شاه به سرمایه داری ایران این بود که این طبقه را صاحب وطن و دولت کرد. تغییر نام "پرشیا" به "ایران" در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۳) توسط رضا شاه به تشویق سفارت ایران در برلین فقط نتیجه تمایلات فاشیستی او نبود. ظاهراً در فضای سیاسی عروج نژاد پرستی آریایی در اروپا، "ایران" بهتر از "پرشیا" میتوانست به عنوان یک چسب درونی ناسیونالیسم ایرانی در حال عروج عمل کند. ناسیونالیسم ایرانی در آن دوره، به تبعیت از فاشیسم دهه سی، شعار "یک دولت، یک ملت، یک فرهنگ، یک پیشوا، یک دکتورین، یک حزب" را سرمشق خود قرار داد.

زبان فارسی به مثابه زبان دولتی اجباری سراسری وجه مهمی از تامین یکپارچگی سیاسی مورد نیاز در این مقطع بود. روی دیگر اجباری کردن زبان فارسی، ممنوعیت تحصیل و آموزش و فعالیت ادبی و فرهنگی به زبانهای دیگر از جمله زبان ترکی بود. جالب است که "ترویج" زبان فارسی در آذربایجان و "توسعه معارف فارسی" بر عهده لشکر شمال غرب گذاشته شد و به فرمان سررتیب محمد حسین خان آیرم "انجمن ترویج زبان فارسی" تشکیل شد. (از کتاب "پان ترکیسم و ایران"، کاوه بیات).

در دوره سلطنت، در کنار سرنیزه تیمسارها، خیل وسیعی از محافل اهل ادب و فرهنگ نقش پیاده نظام فرهنگی این تعرض به حقوق زبانی را ایفا کردند. به عنوان فقط چند نمونه: مجله آینده فقط یک مورد از دهها نشریه بود که به عنوان ارگان گروه اولتراناسیونالیست "انجمن ایران جوان" علناً مبلغ "یک ملت، یک کشور، یک زبان" بود. محسنی رئیس فرهنگ استاد آذربایجان در زمان رضا شاه

اعلام کرد که "هر کس ترکی حرف میزند افسار الاغ به سر او بزنید و او را به آخور ببندید." عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار دولت را به شدت عمل تشویق میکرد که "نباید بگذارند که هیچ روزنامه و کتاب و مجله ای که به این زبانها) از جمله ترکی (در خارج ایران منتشر شده ... داخل کشور و در بین مردم بخصوص اطفال مدارس منتشر گردد)". سال سوم شماره های ۳ و ۶، ۱۳۲۴. دکتر محمود افشار این منطق را ترویج میکرد که "یا آذربایجان ایرانی هست، یا نیست. اگر هست ترک نمیتواند باشد ... آذربایجانیان باید خودشان پیشقدم شده و زبان ملی خود را رواج دهند تا کم کم ترکی که خارجی است برود. (نقل از "یگانگی ایرانیان و زبان فارسی"، مجله آینده، سال ۱۳۷۷)

### زبان در خدمت ناسیونالیسم!

این یک وجه مشترک برجسته میان همه جریانات و جنبشهای ناسیونالیستی است که برای "ملتی" که مدعی نمایندگی هستند تاریخ اسطوره ای میسازند. این تاریخ - مهم نیست چقدر متکی بر واقعیات باشد - باید آن "ملت" را به این باور برساند که اصیلتر از سایر ملتهاست. تاریخش کهنسالتر است. نژادش پاکتر است. فرهنگش ریشه دارتر است. و تا آنجا که به بحث این بخش مربوط است، زبانش قدیمی تر و اصیلتر است. اریک هابسامون از قول ارنست رنان نقل میکند که تصویر وارونه از تاریخ خود، بخشی از یک "ملت" بودن است. این بر عهده ناسیونالیسم است که این تصویر وارونه از تاریخ یک "ملت" را تولید کند. باید اضافه کرد که تصویر وارونه درست کردن از تاریخ دیگران - هر گروه اجتماعی که بخشی از "ملت" خودی نیست - وجه دیگری از پروسه ملت سازی است. ناسیونالیسم پایایی ساختن تاریخ کاذب برای "ملت" خود، باید در عین حال از طریق وارونه سازی تاریخ دیگران ثابت کند که آنها یا اصولاً "ملت" نیستند و یا در بهترین حالت "ملت" بی ریشه و بی تاریخ و بی اصالت هستند.

در بخش بعدی تحت عنوان "تشابهات ناسیونالیسم ایرانی و ترک" مفصلتر به این موضوع باز خواهیم گشت. اینجا اشاره مختصری به تاریخ سازی در زمینه زبان توسط ناسیونالیسم ایرانی از یکطرف و ناسیونالیسم ترک از طرف دیگر میپردازیم.

در کنار سرنیزه سلطنت و تبلیغات ادب، یک فعالیت سیستماتیک توسط ایدئولوگهای ادبی و فرهنگی متعلق به صف ناسیونالیسم ایرانی این بوده است که با اسطوره سازی از زبان فارسی به سرکوب زبانهای دیگر پشتوانه

## جنگ ناسیونالیستی بر سر زبان!

مثلا جمعیت مردم ترک زبان کمتر از ادعای ناسیونالیستهای ترک بود تأثیری در حق آموزش کودکان به زبان ترکی داشت؟

### راه رفع ستم زبانی!

زبان اگر چه یک پدیده ایدئولوژیک و سیاسی و فراتر از صرفا ابزار ارتباط انسانی است اما وجه مشترک همه زبانها این است که ابزار مستقیم ارتباط بخشی از انسانها هستند و دقیقا به این دلیل هیچ دولتی حق ندارد هیچ بخشی از مردم را با هیچ بهانه و توجیهی از به کار بردن این ابزار اولیه و طبیعی انسانی برای ارتباط و شرکت در کلیه فعالیتها سیاسی و اجتماعی و آموزشی محروم کند. آن جریان ناسیونالیستی که میخواهد حق آموزش کودکان به زبان ترکی را از قدمت ۷ هزار ساله و با تعداد متکلمین به زبان ترکی استخراج کند ریگی در کفش دارد. این مهم نیست که قدمت زبان ترکی به چند هزار سال پیش می رسد. مهم این است که بخشی از جامعه در ایران زبان مادریشان ترکی است و همین برای برسمیت شناختن و تضمین یکی از پایه ترین حقوق شهروندی یعنی حق صحبت و تحصیل و آموزش و فعالیت ادبی و فرهنگی به زبان ترکی کافی است.

اما ناسیونالیسم ترک مساله اش حق شهروندی متکلمین به زبان ترکی نیست. مساله اش سهم خواهی بیشتر از قدرت سیاسی برای سرمایه داری خودی و اگر بتواند تبدیل شدن به قدرت سیاسی در جغرافیای سیاسی آذربایجان است. و برای تحقق این هدف نیرو لازم دارد. سرمایه گذاری روی " هویت ترکی " فقط یک تاکتیک سیاسی برای بسیج چنین نیرویی است. یک تاکتیک سیاسی در متن یک جنگ ایدئولوژیک و سیاسی با ناسیونالیسم ایرانی است. وقتی ناسیونالیسم ترک بر شیپور " هارای هارای من ترکم " میدمد حتی ذره ای هم در فکر این نیست که مثلا چه تعداد از کارگران ترک زبان سفره شان خالی است. چه تعداد از کودکان ترک زبان گرسنه اند و چه بر سر زنان ترک زبان میاید.

برای رفع ستم زبانی نه اسطوره ساختن از یک زبان لازم است و نه تحقیر زبانهای دیگر و نه بالا و پایین بردن آمار متکلمین به زبانهای مختلف. قبل از هر چیز باید حکومتی را که بنیادش بر انواع تبعیض از جمله تبعیض ملی و زبانی استوار است کنار زد. و این حکومت، برخلاف تبلیغات پوچ ناسیونالیستهای ترک، " حکومت ایران " نیست، حکومت " فارسیستها " نیست، بلکه جمهوری اسلامی ایران است. حکومتی است که تبعیض یک وجه ذاتی از ایدئولوژی رسمی اش یعنی اسلام است.

تاریخی بدهد.

از نقطه نظر ناسیونالیسم ایرانی، اهمیت زبان فارسی از این سر نیست که مثلا بنا بر مشخصاتش و وسعت کاربردش چقدر میتواند مردم ایران را با پیشرفتهای علمی و اجتماعی جهان مرتبط کند. اهمیتش در نقش تاریخی این زبان در تداوم " ایرانیت " و " هویت ایرانی " و احیای " هویت ملی " در گذر زمان است.

در آذربایجان، ستم ملی اساسا از طریق محرومیت مردم ترک زبان از آموزش و فعالیت ادبی و فرهنگی به زبان ترکی اعمال شده است و میشود. قابل فهم است که چرا ناسیونالیسم ترک که یک جریان سیاسی است به این جنبه اهمیت بیشتری میدهد. تصورش بر این است که با تمرکز بر این ستم واقعی میتواند نیرو برای اهداف سیاسی اش بسیج کند.

از نقطه نظر ناسیونالیسم ترک اثبات قدمت زبان ترکی نسبت به زبان فارسی یک امر حیاتی سیاسی است. مثل همه جریانات ناسیونالیست دیگر، ناسیونالیسم ترک هم میتواند به خیل تحقیقات باستانشناسی و تاریخی به مثابه شواهد تاریخی مستند مراجعه کند! مثلا اینکه اپرت باستان شناس فرانسوی بر ترکی (التصاقی) آلتایی بودن زبان مادها اشاره کرده است و نشان داده است که قدمت زبان ترکی به دوره مادها بر میگردد. یا اینکه دیاکونوف ثابت کرده است که زبان اشکانیان نیز همانند زبان مادها و از خانواده زبانهایی التصاقی و ترکی بوده است. و بالاخره اینکه بنابر ادعای همین باستانشناسان و مورخین، از ۷۰۰۰ سال تا ۲۵۰۰ سال قبل یعنی مدت ۴۵۰۰ سال در منطقه جغرافیایی آذربایجان تنها و تنها اقوام التصاقی زبان (ترک ها) زندگی و حکومت کرده اند!

تئوری کذایی " زبان خورشید " که در سال ۱۹۳۶ با حمایت آتاتورک راه افتاد مسخره ترین تبلور چنین اسطوره سازی از زبان ترکی است. طبق این تئوری، زبان ترکی ریشه تمامی زبانهای فرهنگی جهانی است و نژاد ترک هم سازنده تمامی تمدنهای جهانی است و بالتبع والاترین نژاد است!

سؤال این است که چرا باید مثلا حق تحصیل کودکان به زبان مادری را به تاریخ و قدمت و اسطوره و تعداد ترک زبانان منوط کرد؟ اگر مثلا قدمت زبان ترکی به جای ۷ هزار سال هزار سال میشد تأثیری در این حق داشت؟ اگر

برسمیت می‌شناسند چقدر در ارگانهای منتخب مردم دست بالا دارند و میتوانند این حق را به عنوان حق مسلم شهروندی مردمی که به زبانی غیر از زبان رایج اداری و آموزشی تکلم میکنند در قوانین کشور جای دهند و اجرا کنند. ■ ادامه دارد

۵ مارس ۲۰۱۴، ۱۴ اسفند ۱۳۹۲

منتشر شده در سهند شماره ۵، نشریه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران



## جنگ ناسیونالیستی بر سر زبان!

در آخرین بخش این سلسله مقالات به موضوع رفع ستم ملی باز خواهیم گشت. اینجا به بخشی از برنامه حزب کمونیست کارگری در باره اعتبار زبانهای رایج در کشور اکتفا میکنیم که در آن به طور موجز تصویر روشنی از موقعیت زبانهای مختلف در یک جامعه بی تبعیض و حق مردمی که به زبانی غیر از زبان متداول آموزشی و اداری صحبت میکنند ارائه شده است. این بخش برنامه به قرار زیر است:

"ممنوعیت زبان رسمی اجباری دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد".

رفع ستم و تبعیض در رابطه با زبان مادری منوط به این است که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، وقتی که مردم اداره جامعه را بر عهده بگیرند، وقتی که مردم به عنوان شهروندان صاحب حق جامعه در شوراهای منتخب خود در باره سرنوشت سیاسی جامعه تصمیم میگیرند، نیروهایی که حقوق برابر همه شهروندان جامعه را

### ممنوعیت تبعیض نژادی

حزب کمونیست کارگری قاطعانه علیه هر نوع تبعیض نژادی و نژادپرستی مبارزه میکند. نه فقط هر نوع تبعیض بر حسب نژاد باید صراحتاً در قوانین کشور ممنوع اعلام شود، بلکه، مخالفت قاطع با تبعیض نژادی در سطح جهان باید یک جزء دائمی سیاست خارجی کشور باشد.

**از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران**

## زبان مادری و جایگاه سیاسی آن در دنیای امروز

فراز آزادی - فوریه 2017

زبان و به تبع آن زبان مادری مانند هر مقوله و یا پدیده فرهنگی مهم دیگر، در دنیای امروز رنگ بوی طبقاتی بخود گرفته است. میتواند رنگ واقعی و انسانی داشته باشد و یا توسط طبقات دارا مورد سو استفاده قرار گرفته و علیه خود انسان بکار گرفته شود.

با توجه به آنچه تاریخ شناسان تا امروز به آن رسیده اند، زبان یک پدیده میراست. تعداد زبانهایی که در طول سده های گذشته از بین رفته اند بیش از آن تعدادی است که امروزه باقی مانده و استفاده می شوند، میباشد.

هر پدیده ای در دنیای امروز با توجه به جایگاه اش در اقتصاد، سیاست و فرهنگ قابل تعریف و بررسی است. همانطور که فرهنگ پدیده ای طبقاتی است، زبان هم به تبع آن میتواند طبقاتی باشد. طبقه کارگر میتواند زبان مادری را به عنوان حقی انسانی، برای همه انسان ها به حساب آورد و بالعکس بورژوازی میتواند از آن برای تفرقه قومی و ملی بین احاد طبقه کارگر و علیه مردم استفاده نماید. طبقه کارگر و حزب سیاسی طبقه کارگر، یعنی حزب کمونیستی کارگری میتواند به حق استفاده از زبان مادری برای همه احاد جامعه ای مانند ایران به مثابه حقی انسانی در کنار سایر حقوق انسان ها در برخورداری از زندگی انسانی، برخورد نماید. و در مقابل بورژوازی میتواند از این حق در جهت ایجاد نفاق بین احاد مردم استفاده نماید و به جنگ و خونریزی در یک جغرافیای معینی مانند ایران دامن بزند.

با توضیح مختصر فوق میتوانیم زوایای صحیح سیاسی از جایگاه زبان مادری در این دوره از تاریخ سیاسی آذربایجان را دریابیم.

تبعیض در خصوص استفاده فرهنگی از زبان مادری را نمیتوان در تاریخ دوپست سیصد سال پیش دید. این مهم از زمانی که دولت ملتها در تاریخ سیاسی جوامع دنیا ظهور یافتند، پدیدار گردید. در دوره فئودالیتة مقوله ای بنام مشکل زبان مادری در فرهنگ سیاسی وجود ندارد. در ایران تبعیض حول زبان مادری به دوره رضا شاه و عروج بورژوازی نوپای ایرانی به مثابه طبقه حاکمه و دولت حافظ نظم سرمایه با چهارچوب «یک کشور، یک دولت، یک ملت» و اتکای این نظم بر ناسیونالیسم ایرانی به عنوان نژاد و ملیت برتر برمیگردد.

جایگاه سیاسی این نوع ستم در آن دوره، با توجه به وضعیت سیاسی دنیا بعد از وقوع انقلاب اکتبر و تأثیرات اش خودش را نشان داد و با برخورد لنین و بلشویکها با تحقق حق تعیین سرنوشت آزادانه ملل تحت ستم در جمهوری های شوروی سابق جواب گرفت. طبق آن برخورد سیاسی همه ملل ساکن شوروی سابق با قبول حفظ اختیارات ویژه در قالب جمهوری های منطقه ای در چهارچوبهای جغرافیای مختلف و بر مبنای مردمی با ملیتهای مختلف و با زبانها معین و با حق اراده ازادانه در ماندن و یا نماندن در چهارچوب کشور واحد شوروی سوسیالیستی به بخش مهمی از حقوق خود دست یافتند.

اتفاقات بعد از جنگ جهانی دوم در دنیا و مشخصاً در چهل سال گذشته و وقوع درگیری های منطقه ای نظیر جنگهای منطقه بالکان و جنایتهای وحشیانه بر مبنای سیاستهای ناسیونالیستی در این جنگها و جنگ آذربایجان و ارمنستان، نشاندهنده ظرفیت بالای ناسیونالیسم در ایجاد جنگ بر پایه ملیت و برتری ملی یکی بر دیگری، بیش از پیش در مقابل چشم بشریت قرار گرفت.

در متن چنین شرایطی است که میتوان دریافت برخورد صحیح به مقوله زبان مادری و جواب صحیح سیاسی به رفع این تبعیض از چه اهمیتی سیاسی برخوردار است. در دنیای امروز و در متن شرایط سیاسی اجتماعی سرمایه داری حاضر و انکشاف عظیم طبقاتی در اکثر جوامع دنیا و سیطره یک درصدی ها بر اکثریت 99 درصدی ها، به عیان نشان میدهد که تبعیض طبقاتی و بی حقوقی عظیمی که بشر امروز با آن روبروست، جایگاه تبعیض در استفاده از زبان مادری در کنار ستم مهم و پایه ای ستم طبقاتی، معنی و مفهوم سیاسی - اجتماعی پیدا میکند. کارگری که از بیکاری و بی حقوقی مفرط در رنج است، مقوله حق کار و داشتن حقوقی مکفی برای یک زندگی انسانی برایش اولویتی به مراتب بالاتر از ظلم و ستم فرهنگی معنی پیدا میکند. زنی که از نظر اجتماعی نیمه انسان به حساب میاید، برایش حقوق برابر اجتماعی مهمتر از ستم فرهنگی حول زبان مادری اش است. و نمونه های دیگری از این دست. ما بدون اینکه نافی حق استفاده از زبان مادری در نوشتار و گفتار برای هر انسانی باشیم، باید جایگاه انرا در مبارزات مردم، کارگران و جوانان در کنار سایر ظلم و ستم های اجتماعی ببینیم تا دچار هیچگونه تقدس مابی و اسمانی بودن آن در ارزیابی این حق نگردیم. امروزه اگر مبارزات واقعی در جامعه ایران را بدقت نگاه کنیم در میابیم که مبارزات و اعتراضات وسیع کارگران، مبارزات زنان و جوانان و مبارزه علیه اعدام، مبارزه

## زبان مادری و جایگاه سیاسی آن در دنیای امروز

برای احقاق حقوق کودک، عرصه‌هایی عینی و اجتماعی سیاسی وسیعتری هستند که در کنار آنها مبارزه برای رفع تبعیض از زبان مادری قرار می‌گیرد. استفاده از زبان مادری در آموزش، تحصیل و خلاقیت ادبی هنری، یک حق بی‌چون و چرای هر انسانی است که باید برسمیت شناخته شود. این یک اصل در قانون اساسی هر کشوری مدرن و متمدن و بدون تبعیض طبقاتی باید باشد.

جایگاه سیاسی مبارزه حول حق استفاده از زبان مادری امروزه از طرف ناسیونالیست‌ها کاملاً مغرضانه و در جهت اهداف ضد انسانی این طیف می‌باشد، در صورتیکه همین مبارزه از نظر کمونیست‌ها بر پایه اصول انسانی، با هدف تحکیم صفوف کارگران و مردم برای مبارزه با دشمن مشترک یعنی سرمایه داری و حاکمیت نمایندگان

این طبقه، جمهوری اسلامی می‌باشد. همانطور که در بالا اشاره شد ناسیونالیست‌ها با اتکا به زبان مادری و تاریخ سازی قومی و ملیتی و ادعای برتری ملی - قومی بر ملل دیگر ساکن ایران هستند و در این راه زبان مادری برایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

هرگونه تاریخ سازی برای اثبات برتری زبانی و ملی در جهت اهداف بغایت ضد انسانی بورژوازی و ایجاد تفرقه و از هم پاشاندن اتحاد کارگران و مردم بوده و در خدمت سیستم سرمایه داری و حفظ حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در ایران می‌باشد. برعکس مقوله زبان مادری از طرف ما کمونیست‌ها حتی بی‌چون و چرا انسانی و قابل تحقق در چهارچوب جامعه‌ای است که مبنای آن شهروندان متساوی الحقوق و انسان و انسانیت می‌باشد.

با اعتقاد ما زبان مادری نمیتواند مبنای تبعیض و برتری انسانی بر انسان دیگر بحساب آید و بلکه این انسانیت انسانهاست که باید مبنای قرار گیرد و بس! ■

## رفع ستم ملی

حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان‌ها میدانند و با هر نوع تقسیم بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت‌های خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را یک وظیفه حیاتی خود میدانند.

**از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران**

دام ناسیونالیسم افتاد . یا بهتر است بگویم دفاع از حق مردم برای استفاده از زبان مادریشان مخصوصا در دوران ابتدایی تحصیل یک وجه مهم از همبستگی طبقاتی و انسانی مردم تحت ستم است .

مخصوصا باید توجه کرد که ما در مورد جامعه ای صحبت میکنیم که هم در دوره سلطنت پهلوی و هم در دوران جمهوری اسلامی سرکوب مردم منتسب به ملیتهای مختلف یک وجه مهم سیاستهای سرکوب کل جامعه بوده و هست و میدانیم که برای رسیدن به این هدف، از سرکوب و ممنوعیت زبان مادری به عنوان یک وسیله بسیار ساده و دم دست استفاده کرده اند .

### بابک شفق: چرا ناسیونالیست ها زبان مادری را به نام خود مصادره میکنند؟ آیا زبان مادری ملك شخصی آنهاست؟

**محسن ابراهیمی:** بان مادری نه ملك است و نه شخصی است . زبان یک وجه مهم از زندگی اجتماعی بشر است . زبان ابزار ارتباط میان انسانهاست . اگر زبان " ملك " کسی است قبل از هر چیز " ملك " انسانها برای ارتباط انسانی است . اما جریانها ناسیونالیستی دقیقا همانطوری که در سؤال مطرح کرده ای زبان را ملك شخصی خود میدانند تا از آن علیه انسانهایی که از لحاظ طبقاتی درد مشترک دارند استفاده سیاسی بکنند .

ناسیونالیستها مساله شان اتحاد انسانها علیه ستم و تبعیض نیست . مساله شان

## مصاحبه بابک شفق با اعضاء کمیته آذربایجان در خصوص زبان مادری

### بابک شفق: آیا در شرایط کنونی ایران حمایت از زبان مادری تبلیغ ناسیونالیسم نیست؟

**محسن ابراهیمی:** پاسخ این سؤال بستگی به این دارد که منظور از " حمایت از زبان مادری " چیست؟ خود سؤال این احساس را به من پاسخ دهنده میدهد که کسانی یا جریاناتی " در شرایط کنونی " تحت لوای " حمایت از زبان مادری " دارند برنامه ناسیونالیستی خودشان را پیش میبرند . این مشاهده شما کاملا درست است . به این معنا سؤال شما هشیارانه و بجاست .

واقعیت این است که همیشه طبقات حاکم سعی کرده اند انسانها را با هویتهای کاذب متنوعی از هم جدا کنند . این کار را میکنند تا از همبستگی انسانی و طبقاتی توده های محروم علیه طبقات حاکم جلوگیری کنند . دقیقا در همین رابطه کسانی هم هستند که با اتکا به " زبان مادری " انسانها را از هویت انسانیشان تهی میکنند تا میان بخشهای مختلف توده های زحمتکش و تحت ستم و اساسا طبقه کارگر تفرقه بیاندازند .

میتوان از حق مردم تحت ستم برای استفاده از زبان مادریشان در آموزش و تحصیل و خلاقیت ادبی و هنری دفاع کرد بدون اینکه در

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی

اساس سوسیالیسم انسان است



دقیقا برعکس فاصله انداختن میان انسانها، تبعیض قائل شدن میان انسانهاست. زبان مادری را به یک امر مقدس تبدیل میکنند تا میان انسانهایی که به زبانهای مختلف تکلم میکنند فاصله بیاندازند.

در این رابطه فرق زیادی میان ما کمونیستها و ناسیونالیستها هست. در دو جبهه متقابل یک نبرد سیاسی قرار گرفته ایم.

برای ما کمونیستها این مهم است که کارگرانی که به زبانهای مختلف تکلم میکنند دردمندان مشترک است، دشمنشان مشترک است و مبارزه شان مشترک است. برای ما این مهم است که کارگرانی که به زبانهای مختلف تکلم میکنند متحد و یکپارچه علیه دشمن مشترکشان مبارزه کنند و از وضعیت فلاکتبار رها شوند.

برعکس، ناسیونالیستها تلاش میکنند چشم کارگران را کور کنند. از نظر آنها سرمایه داران ترک زبان متحد کارگران ترک زبان و همه کارگرانی که به زبانهای دیگر تکلم میکنند هستند. و در مقابل کارگران ترک زبان دشمن کارگرانی هستند که به زبانی غیر از زبان ترکی حرف میزنند.

برعکس، از نظر ما کارگران ترک زبان متحد کارگران فارس زبان، عرب زبان، کرد زبان و همه کارگرانی که به زبانهای دیگر تکلم میکنند هستند و همه اینها دشمن مشترک دارند که سرمایه داران هستند مستقل از اینکه به چه زبانی حرف میزنند.

### بابک شفق: چرا ناسیونالیسم از زبان استفاده ابزاری و غیر انسانی میکند؟

**محسن ابراهیمی:** به این خاطر که از منظر ناسیونالیسم هدف سعادت و حرمت و کرامت انسانی نیست. هدف آزادی، برابری و رفاه انسانی نیست. هدف زندگی انسانی برای

همه نیست.

هدف ناسیونالیسم تفرقه انداختن میان مردم زحمتکش جامعه، میان کارگران است. ایجاد شرایط برای سرمایه دار "هموطن" است تا در جغرافیای معینی کارگران "هموطن" و همزبان را بچاید. هر چیزی به این امر خدمت کند ناسیونالیسم پشتش می رود.

بازار ناسیونالیسم تنها با جدایی انداختن و نفرت شکل دادن میان بخشهای مختلف مردم داغ میشود. ناسیونالیستها مخصوصا پشت دفاع از زبان مادری قایم میشوند چون میدانند زبان یک وجه مهمی از زندگی انسانهاست و مخصوصا با توجه به سرکوب زبانی توسط طبقات حاکم میتوانند به تحریکات عاطفی دست بزنند. تحریکات عاطفی علیه مردمی که زبانشان متفاوت است.

### بابک شفق: ناسیونالیستها ستم ملی را به "ملت حاکم" نسبت میدهند به جای اینکه نظم حاکم را نشانه روند؟ چرا؟

**محسن ابراهیمی:** "ملت حاکم"؟! "ملت حاکم"؟! "ملت حاکم" معنای واقعی در جامعه ندارد. هیچ موقع "ملت" حاکم نبوده اند و نیستند. این طبقات حاکم و حکومت و دولتشان است که به نام "ملت حاکم" بر طبقه کارگر - که اتفاقا مرکب از "ملیتهای مختلف" تحت ستم است - و توده های وسیع مردم حکومت میکنند.

ناسیونالیستها ستم ملی را به "ملت حاکم" نسبت میدهند دقیقا به این خاطر که طبقات حاکم را تبرئه کنند. طبقه حاکم را از مقابل چشم مردم دور کنند.

روشن است که در یک جامعه آگاه به منافع طبقاتی، در جامعه ای که کارگرانش در صف مبارزه علیه نظم سرمایه داری متحد شوند و نظم حاکم یعنی سرمایه داری را نشانه روند،

## مصاحبه با فراز آزادی

**بابک شفق:** شما روز جهانی زبان مادری چگونه ارزیابی میکنید کلا نگاه شما به زبان چگونه است؟

**فراز آزادی:** فکر میکنم برای هر انسانی زبان مادری اهمیت دارد و برایش محترم است. بدیهی است که هر کسی بزبان مادری اش عادت کرده و با آن از ابتدای زندگی اش خو گرفته و بیان کلیه احساسات و تفکراتش راحتتر میباشد. با اعتقاد من اهمیت زبان مادری تنها در برابر فشارهای ناسیونالیسم عظمت طلب در هر جامعه ای به نوعی مقاومت در برابر تبعیض و بی حقوقی معنی پیدا میکند و اهمیت روز جهانی زبان مادری هم میتواند از این زاویه مهم باشد. ولی فکر میکنم که نگاه به زبان مادری از زاویه ای ناسیونالیستی که از زبان یک تقدس میسازد تا بتواند از آن بهره برداری فاشیستی و ارتجاعی بنماید، با نگاه به زبان مادری از زاویه انسانی و کمونیستی که معتقد به حق همه انسانها از زبان مادری در همه مراودات اجتماعی و از جمله در آموزش و تحصیل متفاوت است. بنابراین روز جهانی زبان مادری برای من کمونیست کارگری نوعی دفاع از یک حق انسانی و نمادی علیه یک تبعیض اجتماعی اهمیت پیدا میکند.

**بابک شفق:** آیا زبان مادری را جز حقوق انسانی می دانید و چه اولویتی در کنار حقوق دیگره آن قایل هستید؟

**فراز آزادی:** استفاده از زبان مادری جزئی از یک حق جهانشمول انسانی است. من مخالف هرگونه تبعیض و از جمله تبعیض زبانی هستم. بشخصه در تجربه زندگی ام بارها و بارها شاهد برخوردهای تبعیض آمیز ناسیونالیستی بودم و بنابراین رفع این تبعیض

زیر پای ناسیونالیستها از جمله ناسیونالیسم ترک برای چپاول کارگران همزبان و "هموطن" هم خالی میشود. نمیتوان کارگری را که دشمنش را خوب میشناسد با هیجانات ملی و میهنی فریب داد.

## بابک شفق: بعنوان دبیر کمیته آذربایجان نظرتان بطور شفاف در مورد جایگاه زبان مادری بیان کنید.

**محسن ابراهیمی:** در این مورد در مطلبی تحت عنوان "جنگ ناسیونالیستی بر سر زبان" قبلا مفصل صحبت کرده ام. اینجا مختصرا بگویم که زبان به خودی خود هیچ تقدسی ندارد. زبان مادری فقط به این خاطر مهم است که امکانی برای ارتباط معنوی، عاطفی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی میان بخشی از مردم است.

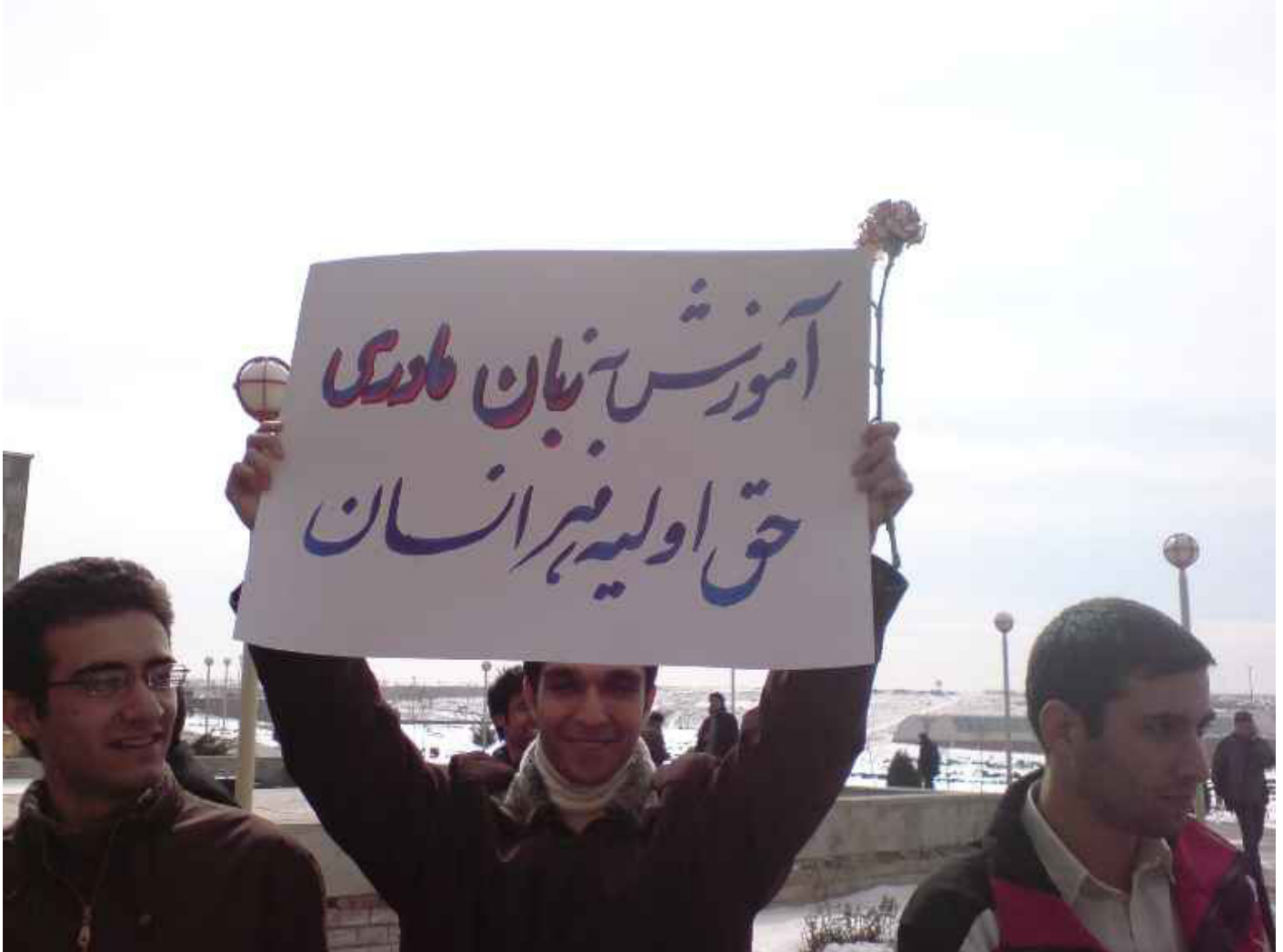
به این معنا باید با صراحت و روشنی و بدون لکنت زبان از حق مردم - از جمله مردم ترک زبان - برای استفاده از زبان مادریشان در آموزش، تحصیل و خلاقیت ادبی و هنری دفاع کرد. باید در مقابل طبقه حاکم و حکومت پاسدارش در مقابل هر گونه تبعیض از جمله سرکوب زبان مادری مبارزه کرد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری تشکیل شده است تا در آذربایجان صف کارگران و زنان و جوانانی که علیه نظم حاکم و جمهوری اسلامی هستند را تقویت کند، تا این صف را در مقابل جریان ارتجاعی ناسیونالیستی تقویت کند که مساله شان ایجاد مانع در مقابل اتحاد این صف است.

به این اعتبار روشن است که پایان دادن به تبعیض و ستم ملی و بالتبع ستم و تبعیض زبانی یکی از محورهای مهم فعالیت کمیته آذربایجان است ■

زبان مادری برای نفرت قومی و نژادی استفاده می کنند نظر شما در این مورد چیه؟  
**فراز آزادی:** ناسیونالیستها برای حفظ سیستم سرمایه داری، زبان مادری را عمده میکنند که بتوانند خاک به چشم کارگران و ستمدیدگان جامعه پاشند تا سرمایه داری را از زیر پاشنه های انقلاب کارگران و مردم نجات

برای من در کنار سایر تبعیض های اجتماعی معنی پیدا میکند ولی واقعیتش ریشه این تبعیض را من در ستم طبقاتی میبینم. در جامعه ای که همه انسانها بدون توجه به زبان و ملیت و نژاد و رنگ، شهروندان متساوی الحقوق بحساب بیایند، هر انسانی قادر خواهد بود که آزادانه بزبان مادری اش تحصیل



دهند. برای یک ناسیونالیست عمده کرده این مهم به عنوان گام اول رها شدن جامعه، در حقیقت به عقب راندن هدف اصلی انقلاب در بزیر کشیدن قدرت حکومت سرمایه داران و برپائی نظام سوسیالیستی میباشد. بنابراین برای تحقق این سیاست ارتجاعی استفاده از نفرت قومی و نژادی با اتکا به تقدس زبان مادری محور سیاستهای ناسیونالیستی

کند. در نتیجه برای من اولویت زبان مادری در کنار سایر حقوق انسانی مانند رفع تبعیض طبقاتی معنی پیدا میکند. چرا که من در دنیای امروز جوامع بیشمار را میبینم که در آن انسانها علی رغم داشتن حق تحصیل بزبان مادری، در فقر و فلاکت اجتماعی و تحت سیطره سیستم سرمایه داری نابود میشوند.  
**بابک شفق:** جریانات ناسیونالیستی از

فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد .

بنابراین ما اعتقادی به زبان رسمی نداریم . زبان مادری در هر منطقه جغرافیائی زبان رایج در آن منطقه است . میتوان با ان فعالیت اجتماعی و تحصیل کرد . کاملاً روشن و بی ابهام . به اعتقاد من همین کافی است که اهمیت زبان مادری را نشان داد . قطعاً با یک رای گیری همگانی در سطح کشوری میتوان یک زبان اداری سراسری هم با توجه به مشترکات دهها میلیونی انسانها انتخاب کرد که هیچگونه ارجحیت سیاسی به سایر زبانها نداشته باشد . تنها جوابگوی نیازهای ارتباطی در سطح کشوری خواهد بود ■



میباشد.

**بابک شفق:** آیا ریشه ستم ملی از ملیت هاست یا از سیستم که جامعه براساس اداره می شود؟

**فراز آزادی:** ستم ملی بخش جدائی ناپذیر از ستم طبقاتی است . بنابراین برای اعمال ستم طبقاتی در جوامعی مثل ایران، ستم ملی یک ابزار سیاسی برای جلوگیری از اتحاد صفوف مردم در برابر حکومتها دیکتاتور و مستبد میباشد . حکومتها از این ابزار تاریخا بیشترین بهره را برده اند و به همین دلی برایشان اهمیت دارد .

**بابک شفق:** راه حل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری که همیشه از فعالین حمایت کرده است، خصوصاً در مساله مراد پور بسیار فعال بوده است، شما بعنوان نیروی دخالت گر در آذربایجان برای تنوع زبانی ملیت گوناگون چه راهکاری دارید؟

**فراز آزادی:** راهکار ما در برنامه حزب کمونیست کارگری ایران، یک دنیای بهتر نوشته شده است.

اعتبار زبان های رایج در کشور

ممنوعیت زبان رسمی اجباری.

دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه

**در جامعه ای که همه انسانها بدون توجه به زبان و ملیت و نژاد و رنگ، شهروندان متساوی الحقوق بحساب بیایند، هر انسانی قادر خواهد بود که آزادانه بزبان مادری اش تحصیل کند**

## مصاحبه با مسعود کریمی

**بابک شفق:** روز جهانی زبان مادری را شما با چه معیارهای انسانی می‌سنجید؟

**مسعود کریمی:** زبان یکی از اجزای مهم و حیاتی زندگی، تفکرات و رفتارهای ماست. کمتر کسی است که بگوید در زندگی روزمره از صحبت کردن به زبان مادری لذت نمی‌برد. هر يك از ما هر چقدر هم به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود مسلط باشیم، زبان مهم و حیاتی برای بیان احساسات یا درك مان همان زبانی است که برای اولین بار به وسیله آن سخن گفته و ارتباط برقرار کرده‌ایم.

از زبان مادری تعریفهای گوناگونی ارایه شده است. در بحث زبان مادری در اولین برخورد و در اولین قدم نقش وجود پدر و مادر بخصوص نقش و نفس مادر مجسم و برجسته میشود به طور طبیعی این تصور را به درستی پیش می‌کشند که این زبان گویشی است که انسان از بدو تولد آن را از مادر شنیده و به کار برده و بدون آموزش سیستماتیک و کلاسیک در مدارس یاد گرفته است این زبان به عنوان زبانی که مادران برای ارتباط با کودکان آن را به کار گرفته‌اند تعریف میشود زبان مادری زبانی است که هر انسانی با آن می‌اندیشد خواب می‌بیند زندگی را آغاز میکنند زبان مادری زبانی است که هر کسی آن را بهتر از زبانهای دیگر برای بیان احساسات درونی خود به کار می‌گیرد و یا زبان مادری زبانی است که انسان با آن روابط انسانی و اجتماعی خود را آغاز میکنند. بر همین اساس روز جهانی زبان مادری برای هر انسانی دفاع از حق طبیعی علیه یک تبعیض اجتماعی در جامعه طبقاتی اهمیت دارد

**بابک شفق:** بعضی‌ها نسبت به زبان مادری تعصب دارند، به نظر شما این تعصب از

کجا نشات می‌گیرد؟

**مسعود کریمی:** در جهان وارونه سرمایه داری استفاده از زبان مادری تبدیل به ابزار مهم سیاسی شده و برای پیشبرد اهدافشان بهره برداری سیاسی میشود در سطح جهان بیش از ۶۰۰۰ زبان مختلف وجود دارد که این تنوع بیانگر توانایی انسان برای ایجاد ابزار ارتباطی می‌باشد و هیچ برتری نسبت به سایر زبانها از زاویه ناسیونالیستی که بهره برداری سیاسی شود ندارد تنها فرقی که در این میان آشکارا و بروشنی خود را نشان داده است زبان تکنولوژی است که خود را به سایر زبانها تحمیل و برتری خود را نشان میدهد

**بابک شفق:** چرا ناسیونالیست از زبان مادری نردبانی برای فاشیسم استفاده میکنند؟

**مسعود کریمی:** متأسفانه در میان ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی تبعیض و تحقیر دیگران بخصوص در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی نهادینه شده است تحت تاثیر بمبارانهای تبلیغاتی نظیر "هنر نزد ایرانیان است و بس! و فارسی شکر است غیر و... بسیاری از فهم و درک این حقیقت ساده غافل هستند که زبان مادری هر کسی برای او نقش شکر عسل را بازی میکند و بر همین اساس ناسیونالیستها رنگارنگ در هر گوشه این کشور زمینه را برای عرض اندام سیاسی مناسب تشخیص داده از حاکمیت خود بیرون آمده برای رسیدن به اهداف فاشیستی خود از احساسات انسانی مردم استفاده کرده بدون ارایه راه حل اساسی با علم کردن زبان مادری خود را در سکوی پرتاب قرار میدهند

**بابک شفق:** راهکار شما بعنوان عضو فعال کمیته آذربایجان برای مساله زبان چیست؟

## مصاحبه با شهلا خباززاده

**بابک شفق:** شما بعنوان یکی از زنان کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری نظرتان در مورد زبان مادری چیست؟

**شهلا خباززاده:** اغلب انسانها در مورد احساسات و عواطف خود با زبان مادری فکر می کنند و یا آنرا می توانند بسیار بهتر بیان کنند. و یا از طریق زبان مادری می توانند به بهترین شکل نظرات و شخصیت خود را نشان دهند. از این رو ممانعت اشخاص در استفاده از زبان مادری، محدود کردن آزادی افراد در بیان احساسات و نظرات آنها و محدود کردن ارتباط آنها با جامعه و سایر اشخاص است

**بابک شفق:** چرا جریانات ناسیونالیستی از حقوق زنان در آذربایجان صحبتی نمی کنند، ریشه این برخورد ناسیونالیست ها با حقوق زنان از کجا ناشی می شود؟

**شهلا خباززاده:** ناسیونالیسم، در تعریف کلی خود امری مغایر با حقوق انسانی و ارزشهای آنها است. منافع ملی که توسط ناسیونالیستها غالباً در ابعاد یک جغرافیای محدود تعریف میشود چیزی بجز منافع یک طبقه اجتماعی و بطور مشخص بخش یا تمامی از طبقه سرمایه دار نیست.

فرودستی زن همواره تامین کننده بخشی از منافع سرمایه داری است. بهره وری از نیروی کار ارزان و حتی رایگان زن همواره یکی از اهداف سرمایه داران است. همچنانکه در مورد سایر آزادی های انسانی نظیر آزادی بیان، حقوق همجنسگرایان و حقوق کودکان

**مسعود کریمی:** اگر بخواهیم یک راهکار اساسی ارایه دهیم بنظر من راهکار اساسی برای خلاصی از تمام این شعبده بازهای سیاسی جهان سرمایه وبه خصوص بتوانند از خونریزهای احتمالی ناسیونالیسم وفاشیستهای موجود پایان دهد من در قدم اول تبلیغ روشنگری سیاسی در ابعاد مختلف وتوضیح نوشته منصور در یک دنیای بهتر تحت عنون اعتبار زبانهای رایج در کشور بهترین و موثرترین میتواند باشد

ممنوعیت زبان رسمی اجباری. دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد ■



سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد سوسیالیسم

مردسالارانه جمهوری اسلامی اجازه تحقیر، توهین و آزار رسانی به زنان را میدهد. این مسئله چه در مورد زنان آذربایجان و یا سایر نقاط ایران همسان است. اما در عین حال اکثریت جامعه و بویژه زنان این نابرابری را پذیرفته اند و مبارزه ای پیگیر بین زنان و حکومت سرکوبگر اسلامی در جریان است. این مبارزه از همان اولین روزهای به قدرت رسیدن حکومت اسلامی آغاز شده و تا سرنوشتی این رژیم ادامه خواهد داشت.

**بابک شفق:** شما بعنوان یکی از زنان کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری برای زنان بطور کلی چه پیامی دارید؟

**شهلا خباز زاده:** قبل از هر چیز به زنانی که در مقابل یک حکومت وحشی و ضد زن ایستاده اند و قوانین ارتجاعی آن را زیر پا میگذارند، درود می فرستم. به مبارزه خود علیه قوانین اسلامی ادامه دهید. در این مبارزه پیروزی از آن زنان خواهد بود چرا که تمام انسانهای آزادیخواه و شریف دنیا از شما حمایت می کنند. برای پیروزی در این مبارزه باید متحد شد. باید از هر امکان و هر فرصتی برای جمع شدن و ایجاد تشکل های خود استفاده کنید تا بتوانید مبارزه خود را گسترش داده و با قدرت بیشتری به پیش ببرید. برای متشکل شدن با کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری تماس بگیرید، تا از این طریق بهتر و بیشتر با حقوق خود آشنا شده و با سازماندهی بهتر و تشکل قویتر در مقابل جمهوری اسلامی بایستید. از طریق لینک (<http://sahand-azadi.com/>) با کمیته

آذربایجان ارتباط برقرار کنید ■

حرفی نمی زند. ولی در زمانی هم که قدرت داشته باشد، آشکارا و به بهانه های مختلف از جمله به بهانه منافع ملی این حقوق را زیر پا میگذارد.

**بابک شفق:** اخیرا پیام مادر مرتضی مراد پور در مورد اعتصاب غذا شدیدا حس انسانی داشت که بر خلاف تبلیغات فاشیستی بود، مشارکت چنین زنان دلیری را شما بعنوان اعضا فعال کمیته چگونه ارزیابی می کنید؟

**شهلا خباز زاده:** پیام معصومه امانی مضمونی کاملا انسانی داشت و قابل تحسین است. این صحبت ها ربطی به ناسیونالیسم و تبلیغات فاشیستی ناسیونالیستها ندارد. طبیعی است هر انسان رنج دیده و ستم کشیده ای نمی تواند خواهان ادامه ستم و ظلم در لباس و شکل دیگری باشد. اقدام این مادر ستم کشیده اقدامی جسورانه و افشاگرانه نسبت به وضعیت زندانیان بوده و باید مورد حمایت و سیع قرار بگیرد و تقویت شود. کار مادر مرتضی مرادپور الگویی است که باید تمام مادران و خانواده زندانیان انجام دهند.

**بابک شفق:** نابرابری حقوق زنان در آذربایجان و مردسالاری موجود در آن را چگونه ارزیابی میکنید؟

**شهلا خباز زاده:** وضعیت زنان در آذربایجان جدا از وضعیت زنان در سایر نقاط ایران تحت حاکمیت اسلامی نیست. با وجود حکومت اسلامی ارتجاعی ترین قوانین عصر حجر بر زندگی زنان ایران حاکم است. از نظر قانونی بعنوان نصف انسان شناخته می شوند. در بسیاری موارد اختیاری در مورد بدن خود، زندگی خود و سرنوشت خود ندارند. قوانین

فرانسه تا انقلاب مشروطه در ایران و نیز مبارزات به حق کشورهای تحت سلطه برای استقلال سیاسی و اقتصادی با تمایلات ناسیونالیستی ریشه در گذشته‌ای دارد که هنوز سرمایه داری جهانی برای رسیدن به آن مرحله یعنی مرحله جهانی شدن سرمایه که امروز شاهد آن هستیم به چندین دهه زمان نیاز داشت. امروز هر نوع برگشت به گذشته یک برگشت ارتجاعی و محکوم به شکست است. سیاست حفاظت از سرمایه ملی که امروز در انگلیس و آمریکا شاهد آن هستیم از این دست تلاش‌ها است که از لحاظ تاریخی پروسه خود را طی کرده است. در نتیجه تلاش‌های شبه ناسیونالیستی در بخش‌هایی از ایران در سطح میکرو به دلیل توضیحات ذکر شده، را نمیتوان به عنوان یک جنبش و یا حرکت ریشه دار تاریخی ارزیابی نمود.

ناسیونالیسم، از شروع قرن ۱۸ که دولت-ملت سازی یک ضرورت تاریخی و اقتصادی برای سیستم سرمایه داری به حساب می‌آمد از یک مشروعیت محکمه پسند برخوردار بود؛ این ایده که گروه‌های مردمی که از هویت مشترک، زمینه‌ها و سوابق تاریخی، فرهنگی و حتی دینی و زبانی آگاهی یابند، باید مستقل و خودمختار باشند، قوی‌ترین ادعای ناسیونالیسم بود یعنی آرزوی بنای یک جامعه خالص و اصیل. پایداری، قدرت و اقتدار ناسیونالیسم، برخلاف لیبرالیسم و سوسیالیسم بیشتر ریشه در خاص‌گرایی نه کل‌گرایی داشت. یعنی ناسیونالیسم به ایده ملت خاص با خصوصیات مشترک و منحصر به فرد از نظر زبانی، فرهنگی، دینی و تاریخی اهمیت می‌داد تا از سرمایه و منافع ملی دفاع نماید. ناسیونالیسم در اشکال مختلف خود به شیوه‌های گوناگون تلاش کرده است با فراهم سازی مانعی در برابر شهروند سازی خود را تعریف و باز تولید کند. ناسیونالیسم به دو صورت باز و بسته و یا به تعبیر دیگر، خاص و کلی بسته به این که ملت چگونه تعریف شود در بسیاری از مواقع با نفی شهروندی آنانی که اشتراکات زبانی، قومی و یا مذهبی با بقیه ملت ندارند سبب ایجاد تفرقه و مصائب شده است. و همانطور که اشاره رفت به خاطر این که خاص‌گرایی با مفهوم شهروند چه به صورت عام و چه به صورت خاص همخوانی ندارد و مرحله تاریخی خود را به مثابه یک مرحله مشخص از رشد سرمایه داری جهانی طی کرده است و از لحاظ تاریخی به گذشته تعلق دارد.

امروز جهان شاهد صف آرایی دو جبهه کار و سرمایه در سطح جهانی در مقابل هم هست و به عبارت دیگر

## مصاحبه فراز آزادی با سرور کاردار

از اعضای کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران در خصوص

## زبان مادری و برخورد ناسیونالیست‌ها با این موضوع



سوال - هر انسانی یک احساس فوق العاده نسبت به زبان مادری اش دارد. راحت میتواند احساسات‌اش را بیان کند، نظر و مقصودش را بگوید و با آن براحتی بیاموزد بدون اینکه کوچکترین فشاری در ذهن‌اش برای درک غیر مستقیم اطلاعات ایجاد شود. به نظر شما چرا این واقعیت بدیهی میتواند مورد استفاده ناسیونالیست‌ها در جهت نفاق انداختن بین انسانها قرار گیرد و این احساس انسانی به ضدیت با هم‌نوع بدل گردد؟

جواب - به نظر من قبل از این که به موضوع سو استفاده ناسیونالیست‌ها در مورد یک امر بدیهی در رابطه با زبان مادری بپردازیم، لازم است این موضوع را مشخص کنیم که در مورد چه نوع ناسیونالیسمی صحبت می‌کنیم و این که آیا اساساً امروز صحبت از ناسیونالیسم موضوعیت دارد یا نه. نقد مفاهیم اجتماعی بدون در نظر گرفتن ظرف مکانی و زمانی و بستر ظهور آنها میتواند به نتایج غیر علمی و غیر قابل درک منتهی شود. در نتیجه باید اول مشخص کنیم در چه مرحله تاریخی ناسیونالیسم و ابزاری را که به خدمت می‌گیرد که فقط یکی از آنها مورد زبان مادری است را نقد می‌کنیم. سرمایه داری امروز یک طبقه در سطح بین‌المللی است. در مقابل طبقه کارگر نیز به تبع آن یک طبقه بین‌المللی میباشد. پدیده دولت ملی با تمامی تعاریف و تقسیمات آن به گذشته تعلق دارد. زمانی انقلابات بزرگی در جهان شکل گرفت از انقلاب



## مصاحبه فراز آزادی با سرور کاردار

سرمایه داری از مرحله دولت- ملت سازی عبور کرده است و به مرحله رشد نهایی خود رسیده و دیگر امکان صدور سرمایه جهت سود دهی هر چه بیشتر را ندارد و در نتیجه با بحرانهای ساختاری غیر قابل حلی دست و پنجه نرم می‌کند. سوال این است آیا در چنین شرایطی ناسیونالیسم که زمانی با خود به عنوان راه حل معرفی میشد، دیگر قادر به اجرای نقش در سیاست و زندگی انسانها نیست. پر واضح است که سرمایه به عنوان یک طبقه جهانی برای حفظ قدرت خود از تمامی ظرفیت ضد انسانی خود با توسل به ترفندهای قدیمی و جدید سعی در باز سازی خود خواهد داشت. این تلاش تنها زمانی به شکست منجر خواهد شد که تشکل و حزب طبقه کارگر به مثابه یک نیروی سازمانیافته و به حد کافی مقتدر، تعادل قوا را به نفع طبقه جهانی کارگر تغییر دهد. به عبارتی دیگر تا زمانی که این تعادل بوجود نیامده است ناسیونالیسم نه به مثابه یک جنبش اجتماعی ولی به عنوان یک ابزار ضد انسانی و ضد طبقه جهانی کارگر به کار گرفته خواهد شد. واقعیت این است که بجز ظلم و ستم طبقاتی بخشی از گروههای مردمی ستم مضاعفی را در مقایسه با دیگران مردمان تجربه می‌کنند یا برایشان روا می‌شود. سرمایه سعی می‌کند از این مسئله بهره برداری کند و گروههای کوچک مردمی را به عنوان گوشت دم توپ در رقابتهای ماجراجوییهای خود مورد استفاده قرار میدهد. سیاه علیه سفید، آسیاییها در مقابل اروپاییها، اسپانیاییها در برابر آمریکاییها و ترک در مقابل فارس، ترک در مقابل کرد، سنی در مقابل شیعه و غیره. اما در مقابل این، و هر چه رنگ پوست ما باشد یا به چه زبانی صحبت کنیم، ما یک ویژگی مشترک داریم و آن اینکه به طبقه کارگر تعلق داریم و بنابراین ناسیونالیسم را یک سم کشنده برای مبارزه طبقاتی اعلام می‌نمائیم.

با توجه به این توضیحات ضروری، حال میتوان برگشت به مسئله زبان و نقش ناسیونالیسم در استفاده ابزاری و تفرقه افکنانه آن. این که زبان مادری و اهمیت زبان مادری جزو بدیهیات است شکی در آن نیست. زبان یکی از اجزای بسیار مهم و حیاتی زندگی، تفکرات و رفتارهای ماست. کمتر کسی است که بگوید در زندگی روزمره از صحبت کردن به زبان مادری لذت نمی‌برد. در ایران امروز ما شاهد عجین بودن عمیق منافع سرمایه داری ایران با سرمایه جهانی هستیم. با این تفاوت

که به جای شعار ملت بزرگ و یکپارچه ایران که شعار ناسیونالیسم عظمت طلب بوده و هست شعار امت جهانی اسلامی جایگزین شده است. بعد از رنگ باختن این شعار جمهوری اسلامی چاشنی ملت بزرگ ایران اسلامی را نیز به آن اضافه کرده است تا بتواند ضمن جذب بخشی از همپالگهای عظمت طلب خود بخش دیگر آنرا خلع سلاح نماید. ولی این تمام ماجرا نیست. جمهوری اسلامی در رقابتهای منطقه‌ای برای کسب هژمونی سیاسی و اقتصادی هر چه بیشتر درگیر جنگهای آشکار و پنهان است. رقبا نیز با علم کردن ناسیونالیسم ترک و کورد و بلوچ و عرب با ترکیب و چاشنی اسلامی در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کرده اند. همانطوری که توضیح دادم این نوع ناسیونالیسم رقابتی و تاریخی گذشته و ارتجاعی و وابسته در کشمکشهای رقابتی، منطقه‌ای به یک واقعیت تلخ و خطرناک تبدیل شده است که به عنوان ابزار سلطه سرمایه به کار گرفته میشود. طبیعی است که ابزار این نوع ناسیونالیسم وابسته و ارتجاعی تکیه به ستم ملیتی مضاعف است که جمهوری اسلامی در ۳۸ سال اخیر به مردم تحمیل کرده است. حمله این نوع ناسیونالیسم ساختگی و خود فروخته به ستم طبقاتی و استثمار عریان جمهوری اسلامی نیست، حتما حمله به اسلامیت ارتجاعی آن نیز نیست چرا که خود به اندازه جمهوری اسلامی، اسلامی و ارتجاعی است. گویا جمهوری اسلامی به این خاطر بد و ظالم است که به مردم اجازه نمیدهد به زبان مادری درس بخوانند و یا به همه مذاهب اجازه عرض اندام نمیدهد. اما کورد ستیزی و عرب ستیزی بخشی از این نوع ناسیونالیسم حکایت از ناسیونالیسم دست ساخت خود رژیم اسلامی دارد که برای حفظ قدرت به ترفند آتش افروزی بین کرد و ترک و عرب و فارس دامن می‌زند. بنابراین ما شاهد یک ناسیونالیسم فاشیست دست ساخت جمهوری اسلامی هستیم که در کنار ناسیونالیسم دست ساخت رقبا منطقه‌ای جمهوری اسلامی به رقابت مشغولند. پان ترکیستهای طرفدار ترکیه، ناسیونالیستهای طرفدار آذربایجان شمالی و ناسیونالیسم کرد در رقابت با همدیگر در این سناریو ضد مردمی سیاه شرکت دارند. بنابراین ناسیونالیسم ابزاری و مرتجع و ضد مردمی با اقدامات خود نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی قرار نمیگیرد بلکه آتش بیار مرکه‌ای میشوند که خود باعث تداوم حکومت جمهوری اسلامی میشود. برجسته کردن بخشی از حقوق مدنی و طبیعی و غیر قابل انکار مردم منتصب به ترک، کرد،

## مصاحبه فراز آزادی با سرور کاردار

این میتوان نتیجه گیری کرد که نفاق و تفرقه افکنی و دشمنی آشکار و فاشیستی جریانه‌های به ظاهر ناسیونالیستی امروز با شعار زبان مادری و جدائی در درجه اول ریشه در سیاستهای سرکوبگرانه و ضد مردمی جمهوری اسلامی دارد که بهانه لازم را برای عرض اندام این نیروهای ارتجاعی و فاشیستی فراهم می‌آورد و در درجه دوم نیز باز به خاطر سیاست‌های دخالت‌گرانه جمهوری اسلامی در منطقه در مواجهه با رقبای منطقه‌ای خود در بازی قدرت برای کسب هر چه بیشتر هژمونی سیاسی و جغرافیایی در خاور میانه .

**سوال - در ادامه سوال اول، سیاست انسانی برای رفع این ستم یعنی حق برخورداری از استفاده از زبان مادری در آموزش و تحصیل و مراودات اداری هر منطقه کدام است؟**

**جواب -** اصطلاح زبان مادری اصطلاحی است که اکثر دانشمندان سعی در پرهیز از آن دارند و در علوم زبان‌شناسی، روان‌شناسی، عصب‌شناسی رفتاری اغلب واژه زبان اول به جای این اصطلاح به کار برده می‌شود. به این مفهوم که یک زوج ترک زبان در تهران فرزندشان میتواند زبان فارسی را به اندازه زبان ترکی درک کرده و هم سطح زبان مادری قادر به استفاده از آن باشد. یعنی کودکی که در سن کودکی دو زبان متفاوت را همزمان یاد می‌گیرد یکی را از محیط زندگی و دیگری را از پدر و مادر مشکل مشابه کودکی که تا ۶ سالگی فقط زبان اولش زبان پدر و مادر است را نخواهد داشت. زبان‌های رایج در ایران به طور عمده به سه خانواده زبانی هند و اروپایی - سامی و آلتایی تعلق دارند به طور کلی در ایران شش زبان زنده وجود دارد که عبارتند از: فارسی، کردی، ترکی، عربی، بلوچی و ارمنی. اما از نظر آماری زبان فارسی، ترکی و کردی بیشترین قسمت طیف لهجه‌ها و زبان‌های ایرانی را به خود اختصاص می‌دهند. شاید در جغرافیای امروز معدود کشورهایی وجود داشته باشد که دارای این طیف زیبایی تنوع زبانی باشند.

خارج از این توضیحات فنی واضح است که تا سرنگونی جمهوری اسلامی نمیتوان قدم عملی و اصولی و علمی برای رفع این معضلات اجتماعی برداشت. تنها امکان موجود در حال حاضر با وجود جمهوری اسلامی، آگاهی دادن به مردم در سطح وسیع برای خنثا کردن این توطئه‌ها و سازماندهی توده‌ها برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی در قدم اول

عرب، بلوچ، ترکمن از طرف ناسیونالیست‌های ستون پنجمی دشمن کارگران از جمله برجسته کردن محرومیت آنان از حق تکلم و تعلم به زبان مادری یا زبان اول، تنها و تنها یک استفاده ابزاری برای اهداف دشمنانه و ضد انسانی و ضد مردمی است. تجربه فقر، گرسنگی، بیکاری، فحشا، زن‌کشی، کودک‌آزاری، و سرکوب زحمتکشان و کارگران در اقلیم کردستان عراق و آذربایجان شمالی و دولتهای تازه تاسیس بعد از فروپاشی یوگسلاوی سابق دلیل و سند غیر قابل انکار این ادعا است. در کنار این مسئله مقایسه جنبش‌های ناسیونالیستی مشروطیت (۱۲۸۵-۱۳۰۰) و آذربایجان و کردستان در سالهای ۱۳۲۴-۲۵ با تحریکات ناسیونالیستی و نه جنبشی امروز تفاوت‌های ماهوی آن دوره با ناسیونالیسم دست‌ساز امروز را به راحتی میتوان ارزیابی کرد. جنبش آذربایجان و کردستان دست در دست هم با شعار خودمختاری برای آذربایجان/کردستان و دموکراسی برای ایران شکل گرفت و از اقبال توده‌ای وسیعی برخوردار و نیز در طول عمر کوتاه خود اقدامات اصلاحی درخشانی را اجرا نمود. به همین شکل جنبش مشروطه هر چند شکست خورد ولی با تکیه به مردم و برای استقرار یک دولت ملی دموکرات اتفاق افتاد. این در حالی است که ناسیونالیسم امروزی از نوع عظمت طلب ایرانی یا کردی و ترکی و عربی یک ماهیت تفرقه افکنانه، ضد انسانی، و فاشیستی دارند. هر اندازه که جنبش ناسیونالیستی دوره مشروطیت و آذربایجان و کردستان سلهای ۱۳۲۴-۲۵ مردمی، متحد‌گرانه و مترقی و پیشرو بود به همان اندازه تحریکات ناسیونالیستی امروزی تفرقه افکنانه، ضد مردمی و ارتجاعی میباشد. مشترکات جنبش آذربایجان و کردستان دیروز با تحریکات ناسیونالیستی و نه جنبشی امروز گاه در شعارهایی مشترک تداعی میشود از جمله حق به رسمیت شناخته شدن زبان مادری. یک نکته اشتراک دیگر در وابستگی هر دو جنبش به نیروی خارجی است ولی با تفاوت‌های ماهوی. اولی وابستگی، ناشی از توهم به سوسیالیسم موجود (شوروی سوسیالیستی) بود برای کسب خودمختاری فرهنگی و دموکراسی برای ایران، دومی آشکارا ستون پنجم نیروهای فاشیست خارجی است در هماهنگی برای تجزیه ایران و تشکیل کانونهای بحران در مقابل دخالتگریهای جمهوری اسلامی در منطقه. بنابراین

## مصاحبه فراز آزادی با سرور کاردار

برای آموزش عالی ( منظور تحصیلات دانشگاهی و بالاتر (تا چه حد مقبول و منطقی میباشد؟ چرا که امروزه زبان علمی دنیا بطور واقعی زبان انگلیسی میباشد و عملاً در اکثر دانشگاههای دنیا اکثر کتابهای علمی بجای ترجمه به زبان اصلی یعنی انگلیسی تدریس میگردد .

جواب - این سوال در واقع یک سوال در حیطه تحقیقات علمی و تحقیقاتی است در زمینه افراد دو زبانه پدیده دوزبانگی در جهان امروز توجه بسیاری را به خود جلب کرده . پژوهش‌های انجام شده در این زمینه همگی حکایت از آن دارند که دو زبانگی یک فرصت استثنایی است، نه محدودیت . همه این پژوهش‌ها یک نقطه مشترک دارند و آن این است :تنها زمانی دو زبانه‌ها موفق هستند که زبان مادری خود را به طور کامل بدانند و بتوانند با آن بخوانند و بنویسند . هم زمان باید به این نکته مهم روانشناسی اشاره کرد که تکوین و تکمیل عمومی شخصیتی معمولاً تا ۱۲ سالگی ادامه دارد و به قولی شخصیت انسان در ۱۲ سالگی شکل گرفته است .بقیه پروسه تکمیل و رشد انسان از لحاظ بیولوژی تا ۲۵ نیز ادامه دارد ولی تجربیات اکتسابی، محیطی، آموزشی، تا پایان عمر .و با توجه به تکوین و شکل گیری شخصیت که در ۱۲ سالگی فرم نهایی خود را گرفته است باید با اطمینان گفت که تمامی احتیاطات ضروری از جمله در زمینه آموزش به زبان مادری قبل از این سن ضروری و اهمیت خاص خود را دارد .یافته‌های پژوهشی نشان داده که آموزش به زبان غیر مادری با مسائل تحصیلی دانش آموزان دوزبانه رابطه معنا دار دارد و نیز اثبات شده که آموزش به زبان غیر مادری بر ابعاد آموزشی ، عاطفی و هویتی دانش آموزان دوزبانه تاثیر سوء دارد . همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش به زبان غیر مادری در پدیده مرگ زبان مادری دانش آموزان دوزبانه تاثیر دارد .

یوهان آموس کومنیوس که به عنوان صاحب نظری برجسته در آموزش و پرورش دنیا شناخته شده است، در نیمه دوم قرن ۱۷ اصولی را برای آموزش و یادگیری عنوان کرد که کودکان را بایستی با شناخت و بینش اجسام آشنا کرد که در این مسیر همواره بر ضرورت استفاده از زبان مادری تاکید می کرد .وی اعتقاد داشت آموزش تا سن ۱۲ سالگی بایستی فقط به زبان مادری کودکان باشد .

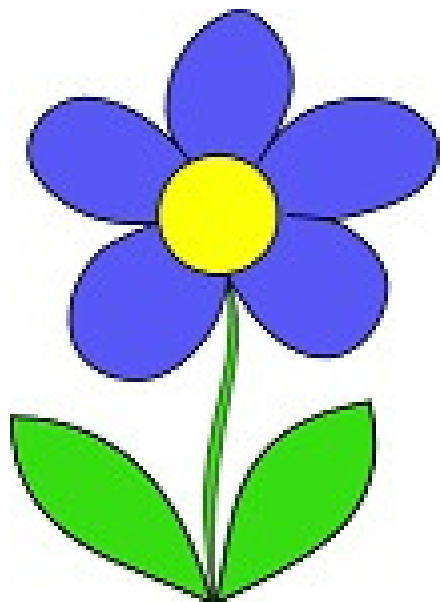
آموزش به زبان مادری در دانشگاه بخصوص در کشورهایی مثل ایران بیشتر وابسته به امکانات مادی و

میباشد .قدم دوم بعد از سرنگونی اعلام فوری حق شهروندی برابر با حذف عینی و عملی عناوین ارتجاعی، مذهب رسمی، زبان رسمی، رنگ پوست، تعلق اتنیک، و ممنوعیت زبان رسمی اجباری میباشد .دولت میتواند یک زبان از زبان‌های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد .حزب کمونیست کارگری از دو دهه پیش خطوط این نوع سیاست گذاری را در برنامه خود تحت عنوان یک دنیای بهتر اعلام نموده است .این جا یادآوری این نکات را از برنامه یک دنیای بهتر ضروری میدادم .که عبارت است از :ممنوعیت زبان رسمی اجباری . دولت میتواند یک زبان از زبان‌های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد .به منظور کمک به پایان دادن به عقب ماندگی جامعه از صف مقدم پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی در جهان امروز و برای کمک به بهره مند شدن توده مردم ایران از مواهب این پیشرفت‌ها و امکان شرکت مستقیم تر و فعالانه تر آنها در حیات علمی و فرهنگی جهان معاصر، الفبای رسمی زبان فارسی باید طی یک برنامه سنجیده به الفبای لاتین تغییر کند .بعلاوه، در همین راستا حزب کمونیست کارگری همچنین خواهان آنست که :زبان انگلیسی، با هدف تبدیل گام به گام آن به یک زبان آموزشی و اداری متداول در کشور، از سنین پائین در مدارس آموزش داده شود .در کنار تقویم محلی، تقویم میلادی، که امروز تقویم رسمی در سطح بین المللی است، رسمیت قانونی پیدا کند و در اسناد رسمی کشور ذکر شود .

سوال -به نظر شما در یک قانون و سیاست رادیکال و انسانی در جوامعی مانند ایران ، استفاده از زبان مادری

## مصاحبه فراز آزادی با سرور کاردار

عمدتاً زبان انگلیسی است. این امر هیچ تضادی با امکان آموزش به زبان مادری به شکل موازی در سطح دانشگاهی ندارد ولی آنرا به عنوان یک ضرورت غیر قابل اجتناب مطرح می‌کنم ■



سطح علمی و توانایی علمی آن زبان مادری دارد تا به عنوان یک مشکل از نوع آموزش به زبان غیر مادری در سطح ابتدائی. این دو کاملاً طبیعت جداگانه دارند و دلایل جداگانه که در خلال بحث تا حد امکان و وسیع علمی من به عنوان یک پداگوگ مارکسیست به آن پرداختیم.

بنابر این همانطور که اشاره نمودید بحث از ضرورت آموزش به زبان مادری الزماً نباید شامل سطح دانشگاهی باشد و اصولن و منطقاً و علمی باید تابعی از توانائی دامنه علمی زبان مورد بحث در یک دانشگاه مشخص در پوشش دادن تعلیمات دانشگاهی باشد. امروز میدانیم که تعداد محدودی از زبان‌ها این قابلیت را در سطح جهانی دارند و اکثر تحقیقات علمی و نوشتاری و منابع علمی به این زبانهاست. در این زمینه انگلیسی، آلمانی و فرانسه به ترتیب حرف اول را میزنند. ترجیح من آموزش زبان انگلیسی از سطح ابتدائی برای آمادگی کامل توانمند یک دانشجو در برخورد با زبان علمی دانشگاهی است که

## موازین مدرن، سکولار و پیشرو

موازین سیاسی و اداری جامعه باید موازینی مدرن و سکولار و پیشرو باشد. اساس این موازین پیشرو گسستن کامل حاکمیت و قدرت دولتی و نظام اداری در کشور از مذهب، اصالت قومیت و ملیت و نژاد و هر ایدئولوژی و نهادی است که نافی برابری کامل و مطلق حقوق مدنی همه شهروندان و شمول یکسان قوانین بر همه و نیز محدود کننده آزادی اندیشه، نقد و حیات علمی جامعه باشد. مذهب و ناسیونالیسم، جریانات فکری و اجتماعی فی نفسه تبعیض آمیز، خرافاتی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان هستند. مذهب، بطور مشخص، حتی بعنوان امر خصوصی افراد، سد راه رهایی و شکوفایی و اعتلای انسان است.

**از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران**

## در باره اصالت زبان مادری!

جلیل جلیلی

### بخشی از يك بحث خانوادگی بر سر زبان مادری

این روزها به برکت وایبر و فیسبوک، محافل خانوادگی هم هر کدام برای خود گروهی درست کرده اند و از این طریق با هم در ارتباط و فعل و انفعالات لحظه به لحظه هستند. اخیراً در گروه خانوادگی ما در وایبر بحثی راه افتاده بود در مورد زبان مادری و مسئله اصالت زبان. بحث از اینجا شروع شد که یکی از اعضا این گروه خانوادگی ویدئو کلپی را گذاشته بود که در آن يك دختر بچه در ستایش زبان مادری و زبان آذری شعری را دکلمه میکند. زیر این ویدئو هم این جمله نوشته شده بود: "این ویدئو را پدر و مادرهایی ببینند که فارسی یاد دادن به فرزندان تورکشان را افتخار و کلاس میدانند"

یکی دیگر از اعضا این گروه در کامنت خود از جمله گفته بود: "زبان فقط یک ابزار ارتباطی و تکلمی است و هیچ امتیاز مقدس گونه ای ندارد. مقدس جلوه دادن زبان مادری یعنی اعلام جنگ نسبت به زبانهای دیگر و خوب بودن انسانها هیچ ربطی به این زبان یا به آن زبان ندارد."

عضو دیگری در کامنت خود گفته بود: "اولاً ما باید اصالت خودمون رو حفظ کنیم.... ما اینجا مخالف این نیستیم که بچه فقط و فقط زبان مادری، نه می‌گیم اول اصالت بعد زبان های دیگه اونم از راه یادگیری صحیح"

من هم در رابطه با "اصالت زبان مادری" نظر خودم را در این گروه نوشتم که دوست دارم آنرا، در آستانه فرا رسیدن روز جهانی زبان مادری، با شما خوانندگان این نشریه در میان بگذارم. امیدوارم شما هم نظر خود را در رابطه با مسئله "اصالت" زبان مادری برای این نشریه بنویسید.

..... عزیزم، ممنون از اینکه نظرت را در این مورد گفتی و برای دفاع از نکته ات توضیح دادی و استدلال کردی. ولی خارج از اینکه آن استدلالات چقدر منطقی و مربوط باشد یا نه، من از اینکه میبینم تو تلاش میکنی نظرت را با استدلال مطرح کنی خوشحالم و از آن استقبال میکنم. ولی، اگر اجازه بدی، نگاهی بکنیم اولاً به موضوع بحث، یعنی "اصالت"، اصالت زبان "و" "اصالت زبان مادری" و دوماً به استدلالاتی که در دفاع از این اصالت آورده میشود. ابتدا نگاهی بکنیم به خود کلمه اصالت. این کلمه خیلی کلمه "اصیلی" بنظر میرسد و برای بیان خیلی چیزها، گاهی با طمطراق خاصی، بکار برده میشود. ولی این کلمه در دنیای واقعی چیزی را نمایندگی نمیکند. مترادف انگلیسی کلمه اصالت و اصیل، میشود اوریجینالیتی و اوریجینال. که بیان واضح تری برای درک مسئله در اختیار ما قرار میدهد. و ترجمه فارسی کلمه اوریجینال میشود سرچشمه یا مبدا اولیه. اگر ما در این بحث بجای کلمه اصیل از همین کلمه سرچشمه استفاده کنیم شاید برای روشن شدن مسئله بیشتر کمک کند. آیا در دنیا چیزی وجود دارد که در همان سرچشمه یا مبدع اولیه اش باقی بماند. آیا چیزی را میشود در مبدع اولیه و یا سرچشمه اش نگاه داشت و به این معنی اصالت آن را حفظ کرد؟ آیا باقیماندن در سرچشمه و مبدع باعث گزندگی و از بین رفتن آن چیز نمیشود؟ آیا اگر انسانها میخواستند اصالت خود را حفظ کنند الان نمیایستی روی درختان یا در غارها زندگی میکردند؟ فرض کنیم مثلاً اگر خانواده خود شما و یا خانواده من، میخواستند اصالت خود را حفظ کنند الان اوضاع چگونه بود؟ شاید الان نه تو وجود داشتی و نه من. شاید نوه های پدر بزرگ من هنوز در روستای دور افتاده ای در "اصالت" خود زندگی میکردند. ولی فرزندان پدر بزرگ من، یعنی پدر و مادر من، به آن اصالت پشت کردند. از آن روستا بجای دیگری کوچ کردند. فرزندانشان را نه کاملاً مثل پدران خود ولی به شکل دیگری تربیت کردند. اجازه دادند، یا

جامعه سوسیالیستی، جامعه ای بری از هرگونه ظلم و ستم طبقاتی و عاری از هر گونه تبعیض بین انسانهاست

همدیگر در ارتباط هستند مجبور بودند، یا نیاز داشتند و نیاز دارند که برای بهتر درک کردن همدیگر از واژه‌ها یا لغات شبیه به هم استفاده کنند، واژه‌ها و لغات زبانهای دیگر را وارد زبان خود کنند و زبان خود را از "اصالت" تهی کنند. و گر نه آن مردم در "اصالت" خود منزوی میشدند و زبانشان هم در "اصالت" خود از بین میرفت. زبان انگلیسی که این همه گسترش پیدا کرده است، هر سال بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ واژه جدید را در خود میپذیرد و زمان زیادی طول نمیکشد که آن واژه دیگر يك واژه خارجی محسوب نمیشود. آیا آنهایی که از اصالت زبان آذری دفاع میکنند قبول میکنند که سالیانه ۸۰۰ واژه جدید وارد این زبان بشود؟ اگر سالیانه، نه ۸۰۰ بلکه فقط ۱۰۰ واژه وارد زبان آذری شود آیا "اصالت" این زبان از بین نخواهد رفت؟ آیا وارد شدن سالانه ۱۰۰ واژه جدید از زبانهای دیگر به زبان آذری امر خوبی است یا نه؟ آیا این زبان را گسترش میدهد یا از بین میبرد؟ مطمئن هستم که خواهی گفت این خوب است و عمر این زبان را بیشتر میکند. ولی آیا این در عین حال "اصالت" این زبان را هم از بین نمیببرد؟ واضح است که دیگر "اصالتی" باقی نمیماند. حالا متوجه میشوی که دفاع از اصالت يك زبان کاری است عبث و عقب مانده. میبینیم که حفظ "اصالت" يك زبان یعنی شروع انقضای آن زبان. آنهایی که سنگ دفاع از "اصالت" زبان مادری را به سینه میزنند در واقع تیشه به ریشه خود آن زبان هم میزنند و، بقول معروف، بر شاخ مینشینند و بن میبرند. پس سؤال میشود که این مدافعین "اصالت" زبان مادری چرا این کار را میکنند؟ اینجا دیگر وارد عرصه سیاست میشویم. آنها هم میدانند که دفاع از اصالت زبان امری است ناممکن. ولی این حرف و این شعار برای آنها کاربرد سیاسی دارد. آنها میتوانند با اینکار خود سیاهی کشکر جمع کنند. لشکری که وجه مشخصه سربازانش تعصب و نادانی است. این لشکر را میخواهند چکار کنند؟ از این لشکر میخواهند برای حفظ حکمرانی خود استفاده کنند. آنها میخواهند مردم منتصب به يك زبان را، با دامن زدن به تعصبات زبانی علیه مردم منتسب به يك زبان دیگر تحریک کنند و جنگهای قومی و ملی راه بیاندازند و خود بر مسند قدرت باقی بمانند. همانطور که با دامن زدن به تعصبات مذهبی دست به چنین کارهایی

مجبور شدند اجازه بدهند، که دخترانشان با مردانی خارج از طایفه و قبیله خود ازدواج کنند. آنجا که دخترانشان را به مدرسه نفرستادند، به "اصالت" خود پایبند ماندند و آنجا که پسرانشان را، نه به مکتب قرآن، بلکه به مدرسه فرستادند به "اصالت" خود پشت کردند. شاید تو هم تا اینجا با من موافق باشی که آنها تا آنجا که تحت تاثیر تبلیغات عقب مانده، فرهنگ عقب مانده و تقدس "اصالت" بودند، نا درست عمل کردند، و آنجا که، و تا آن اندازه که، تحت تاثیر فرهنگ پیشرو و "غیر اصیل" قرار داشتند، درست عمل کردند. ولی هنوز شاید بگویی که اصالت زبان يك چیز دیگری است و باید حفظ شود. خوب ببینیم اصالت زبان چیست، چرا باید حفظ شود؟ چگونه باید حفظ شود؟ حفظ اصالت يك زبان، و در اینجا زبان آذری چه پیامدی میتواند برای خود این زبان داشته باشد. برای روشن شدن بحث شاید لازم باشد کمی در این مورد فکر کنیم که زبان چگونه بوجود آمده. آیا زبان سالهای سال به همان شکل باقی میماند؟ یا اینکه تغییر میکند و "اصالت" خود را از دست میدهد. مثلا زبان آذری که امروز من و تو به آن تکلم میکنیم آیا همان زبانی است که اجداد اجداد ما مثلا ۵۰۰ سال یا هزار سال پیش تکلم میکردند؟ آیا تعداد لغات، واژه‌ها و اسامی که امروز در زبان محاوره ای ما وجود دارد دست نخورده باقیمانده یا تغییر کرده؟ اگر تغییر کرده، آیا این تغییرات موجب گسترش ارتباطات این مردم نشده است؟ حتما در این مورد با من همنظر خواهی شد و قبول خواهی کرد که این تغییرات، که به معنی از دست دادن "اصالت" این زبان هم شده، مثبت بوده است و باید طرفدار این تغییرات باشیم. همانگونه که تحول فیزیکی انسان از لحظه تولد تا لحظه مرگ قابل رویت است و جلو این تحول را نمیتوان گرفت و نباید گرفت، تحول زبان هم بهمین شکل قابل رویت است و نباید و نمیشود جلو آنرا سد کرد. شاید گفته شود که کلمات، واژه‌ها و لغات هر زبانی بصورت "اصیل" در خود آن زبان، مثل نوزاد، تولید و زاده میشوند و یا بعبارت دیگر زبان خودش زاد و ولد میکند. ولی آیا حقیقتا چنین بوده است؟ و آیا چنین چیزی ممکن است. چنین چیزی ممکن نیست و تاریخ تحول زبانها هم چنین نبوده است. چه انسانهایی که بشکل قبیله با قبایل دیگر در ارتباط بوده اند و چه شهروندانی که امروز با

کمتر در خطر افتادن در دام تعصبات زبانی قرار دهد. و به همین خاطر هم هست که طرفداران "اصالت" زبان دل خوشی از آموزش زبانهای دیگر به بچه ها ندارند. من طرفدار این هستم که دولت باید یادگیری بزبان مادری را هم در کنار يك زبان اداری کشور در مدارس به اجرا بگذارد. خواهرزاده عزیزم امیدوارم توانسته باشم کمکی برای روشن شدن گوشه ای از مسئله زبان و "اصالت" زبان مادری کرده باشم. میبوسمت و برایت روزهای خوش و احساسات خالی از تعصب آرزو میکنم. ■

میزنند. ولی بعد از این بحث ها، لازم میدانم این را هم اضافه کنم که من مخالف یاد گیری زبان مادری نیستم. هر پدر و مادری مسلما به زبانی که به آن مسلط تر است میتواند ارتباط عاطفی محکمتری با فرزند یا فرزندانش برقرار کند. و این زبان، معمولا و نه الزاما حتما، زبان مادری است. و این برای بچه هم برقراری ارتباط با والدین و اقوام مادری و پدری اش را راحت تر خواهد کرد. علاوه بر این یاد گیری زبانهای دیگر میتواند قدرت تجزیه و تحلیل و قدرت تفکر بچه را افزایش دهد و او را

## برابری انسان ها

برابری انسان ها یک مفهوم محوری در جنبش کمونیسم کارگری و یک اصل بنیادی جامعه آزاد سوسیالیستی است که باید با برچیدن نظام طبقاتی، استثمارگر و پر تبعیض سرمایه داری برقرار گردد. برابری کمونیستی مفهومی بسیار وسیع تر و جهانشمول تر از برابری حقوقی و صوری افراد و شمول یکسان قوانین و مقررات دولتی بر آنان را در بر دارد. برابری کمونیستی یک برابری واقعی و مادی در قلمرو اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان انسان ها است. برابری نه فقط در حقوق سیاسی، بلکه همچنین در برخورداری از امکانات و مواهب مادی و محصولات تلاش جمعی بشر، برابری افراد در جایگاه اجتماعی و مناسبات اقتصادی، برابری نه فقط در محضر قوانین، بلکه در مناسبات مادی متقابل انسان ها با یکدیگر. برابری کمونیستی، که در عین حال شرط لازم شکوفایی توانها و استعدادهای مختلف و متنوع همه افراد و شادابی مادی و معنوی جامعه است، تنها با از میان رفتن تقسیم انسان ها به طبقات امکان پذیر میشود. جامعه طبقاتی بنا به تعریف نمیتواند جامعه ای برابر و آزاد باشد.

**از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران**

فروش املاک و زمین های شهرداری یعنی اموال عمومی که متعلق به مردم است، برای پرداخت حقوق ها نشانه استیصال مقامات حکومتی جمهوری اسلامی است. مقامات شهرداری مثل همیشه با فروش این املاک پول زیادی به جیب می زنند و ممکن است از این طریق حقوق های عقب افتاده را هم پرداخت کنند. ولی این وضعیت در آینده ادامه خواهد داشت. شهرداری درآمد های زیادی دارد اما این درآمد ها بالا کشیده میشود و یا صرف حقوق های بالای شهردار و مقامات بالا میشود. شهرداری و شورای شهر باید پاسخگو باشند که چرا برای پرداخت حقوق کارگران و کارکنان باید اموال عمومی باید به فروش برسد. درآمد ها و هزینه های شهرداری باید برای عموم منتشر شود و کارکنان شهرداری باید بر این درآمد ها و هزینه ها کنترل و نظارت داشته باشند.

### خودسوزی یک نانوا در اردبیل

احمد ارشدی نانوا اردبیلی روز ۲۵ دیماه در مقابل اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان اردبیل اقدام به خودسوزی کرد. او بعد از انتقال به بیمارستان بخاطر سوختگی شدید، فوت کرد. اداره آرد و نان اردبیل از دادن سهمیه آرد به او خودداری کرده و بخاطر داشتن بدهی به بانک حکم تخلیه برای محل سکونت او صادر شده بود. احمد ارشدی از سر استیصال و بعنوان اعتراض به وضعیت موجود دست به خودسوزی زد. اما خودسوزی راه چاره کار نیست. جمهوری اسلامی اهمیتی به جان و زندگی انسانها نمی دهد. بجای خودسوزی باید حکومت اسلامی و بنیاد های آنها را به آتش کشید و نابود ساخت. همبستگی و اتحاد مردم و اعتراضات وسیع است که می تواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند و شرایط بوجود آمدن یک زندگی انسانی را برای مردم ایران فراهم کند.

### کارگران شهرداری هشتروند هم حقوق نگرفته اند

در اوایل دی ماه گزارشات منتشر شد که بر اساس آنها کارگران شرکتی شهرداری هشتروند بین چهار تا شش ماه حقوق نگرفته اند. قلی ولیپور رئیس شورای اسلامی شهرستان هشتروند به ایسنا گفت: چهار ماه است که حقوق کارگران شرکتی شهرداری هشتروند به حسابشان واریز نشده و حق بیمه آنان به صورت ناقص به اداره تامین اجتماعی واریز می شود، اما تا به حال پیمانکار شرکت

## اخبار کارگری توسط شهلا خباززاده



### ۲۰۰ کارگر روغن نباتی جهان در زنجان اخراج شدند

صبح روز ۲۳ بهمن حدود 200 کارگر اخراجی روغن نباتی جهان به همراه خانواده هایشان برای پی گیری وضعیت شغلیشان مقابل ساختمان استانداری زنجان تجمع کردند. این کارگران در اوایل بهمن بطور ناگهانی اخراج شدند. آنها خواستار بازگشت به کار و پرداخت حقوق های عقب افتاده خود هستند. کارفرما و مسئولان حکومتی هیچ پاسخی به کارگران نداده اند. کارفرما به بهانه پایان یافتن قرارداد این کارگران را که هر کدام چندین سال سابقه کار دارند، بیکار ساخته است. حضور خانواده های کارگران به این اعتراض قدرت بیشتری داده است. مبارزات کارگران روغن نباتی جهان ادامه دارد و تاکنون مورد حمایت های بسیار از طرف سایر کارگران و گروه های مختلف مردم قرار گرفته است.

### فروش اموال عمومی در میاندوآب برای پرداخت حقوق

#### کارگران و کارکنان شهرداری

کارگران و کارکنان شهرداری میاندوآب روز ۲۹ دیماه در مقابل ساختمان شهرداری یک تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران چندین ماه حقوق نگرفته اند. شهرداری حتی حق بیمه آنها را پرداخت نکرده است و در مراجعه به پزشک و مراکز درمانی دچار مشکلات زیاد هستند. سه ماه قبل از این تجمع شورای شهر قول داده بود که تا آذرماه حقوق ها پرداخت میشود ولی معلوم شد که این قول فقط تبلیغ انتخاباتی بوده و از پرداخت حقوق خبری نشد.

بدنبال این اعتراض اسکندر سجادی رئیس شورای شهر به جمع اعتراض کنندگان آمد و اعلام کرد که با فروش املاک و زمین های مازاد شهرداری حقوق ها پرداخت میشود. با این قول تجمع خاتمه پیدا کرد.



دست از کار کشیده و در زیر برف و سرما در محوطه کارخانه تجمع کردند. این کارخانه از پرداخت حق بیمه کارگران خودداری کرده و بیش از سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان به تامین اجتماعی بدهکار است به همین دلیل تامین اجتماعی هم حاضر به تمدید دفترچه های درمانی کارگران نیست.

### ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته ریخته گری ماشین سازی تبریز

روز پانزدهم آبان جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه «ریخته گری ماشین ساز» تبریز در اعتراض به عدم دریافت سنوات پایان خدمت خود مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. ۵۵ نفر از کارگران با سابقه ریخته گری ماشین سازی تبریز که از ۱۸ ماه پیش از این واحد بازنشسته شده اند هنوز نتوانسته اند سنوات پایان خدمت خود را از کارفرما دریافت کنند. اعتراضات و تجمعات این کارگران بازنشسته از اوایل تابستان ادامه داشته است.

### اعتراضات کارگران بلبرینگ سازی تبریز کارفرما را ناچار به پرداخت بخشی از حقوقها کرد

حدود ۳۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته بلبرینگ سازی تبریز از ۸ آبان بخاطر پرداخت نشدن دستمزدهای خود دست به تجمعات اعتراضی زدند. کارفرما تلاش کرد با وعده های توخالی کارگران را به سر کار برگرداند. ولی کارگران بخاطر بدقولی و بد حسابی کارفرما به اعتراضات خود ادامه دادند. فشار اعتراضات کارگران موجب شد تا شرکت در ۱۹ آبان دو ماه از حقوق های معوقه کارگران را بپردازد... ■

جوابگوی این موارد نشده است. در شهرداری هشتگرد کارکنانی وجود دارند که ۳۵ سال است در این اداره مشغول به کار هستند اما فقط ۱۲ سال بیمه دارند که این مقوله برای یک اداره بسیار دردناک و شرم آور است. در خبر دیگری اعلام شد که حقوقهای ۶۰۰ کارگر شاغل در مجموعه های میراث جهانی و شماری از کارگران شهرداری هشتگرد بین ۴ تا ۶ ماه پرداخت نشده و حق بیمه این کارگران نیز توسط کارفرما پرداخت نشده است.

### حقوق کارگران کمپرسور سازی تبریز چندین ماه به تعویق می افتد

کارگران کمپرسور سازی تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق های خود دست به تجمعات اعتراضی و اعتصاب زدند. این اعتراضات در ماههای آذر و دی و بهمن ادامه داشت. حقوق این کارگران بطور مداوم به تاخیر می افتد و کارگران چندین ماه حقوق خود را از کارفرما طلبکارند.

حدود ۱۳۶ کارگر رسمی و قراردادی این کارخانه به دلیل آنچه ۵۰ درصد عیدی سال ۹۴ بیش از ۴ ماه حقوق و مزایا دریافت نکرده اند. این در حالی است که کارخانه کمپرسور سازی تبریز از تولید و فروش خوبی برخوردار است. اما در حکومت کارگر ستیز جمهوری اسلامی مدیران شرکت می توانند تا آنجا که تیغشان ببرد از پرداخت حقوق کارگران خودداری نمایند.

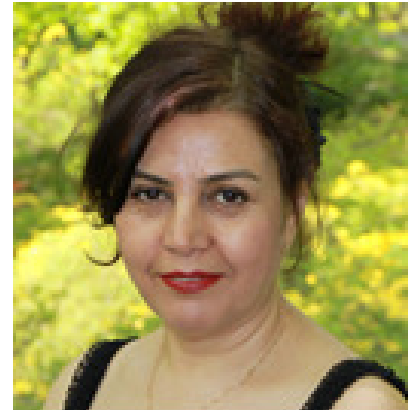
### اعتصاب کارگران لیفت تراک سازی تبریز در اعتراض به عدم دریافت حقوق

روز های ۱۶ و ۱۷ آذر تعدادی از کارگران لیفت تراک سازی سهند تبریز در اعتراض به عدم دریافت ۳ ماه حقوق درست به یک اعتصاب دو روزه زدند. کارگران

بعنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت می شناسد.

**از برنامه یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران**

## نابود سازی دریاچه ارومیه توسط جمهوری اسلامی ادامه دارد



شهلا خباززاده

تکرار خواهد شد.»  
در همین گزارش به نقل از مسعود تجربی مدیر دفتر تلفیق و برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه، می‌خوانیم: «مقرر بود از یک هزار و 100 میلیارد تومان اعتبار از محل ماده 10 و 12 ویژه دریاچه ارومیه 300 میلیارد تومان تأمین اعتبار شود که تاکنون اعتباری از این محل تخصیص نیافته است و با این شرایط، فصل کار بسیاری از این پروژه‌ها نیز می‌گذرد.»

روح‌الله حضرت‌پور عضو مجلس شورای اسلامی از ارومیه، هزینه احیای دریاچه ارومیه را حداکثر میان شش تا هفت میلیارد دلار اعلام می‌کند که بسیار کمتر از رقم دزدی هابی است که توسط بابک زنجانی انجام شد. حضرت‌پور می‌گوید: «متأسفانه بی‌توجهی سازمان برنامه و بودجه در هشت ماه گذشته به موضوع تخصیص دریاچه ارومیه پروژه‌های احیا را به تعطیلی کشانده است»

نادر قاضی‌پور عضو دیگر مجلس شورای اسلامی خبر از ادامه سیاست نابود سازی دریاچه ارومیه می‌گوید: «ستاد احیای دریاچه ارومیه آذربایجان غربی را از برداشت آب منع می‌کند پس چگونه 5 میلیون متر مکعب در ثانیه برای افتتاح فاز 2 کارخانجات در آذربایجان شرقی اختصاص می‌دهد به طوری که این کارخانجات در شرف افتتاح هستند. ... چرا باید فاضلاب‌های بدون تصفیه و پساب‌های شهرک‌های صنعتی بدون تصفیه به دریاچه ارومیه ریخته شود اینها نشان از این است که کمر همت به مرگ دریاچه ارومیه بسته شده است»

در روز ۲۳ بهمن خبرگزاری تسنیم به نقل از مسعود تجربی مدیر دفتر تلفیق و برنامه‌ریزی ستاد احیای دریاچه ارومیه خبر داد که بر اساس برنامه‌ریزی‌ها باید امسال ۴۵ میلیون متر مکعب آب از محل تصفیه فاضلاب به دریاچه ارومیه ریخته شود که به سبب تأمین نشدن منابع مالی آن این کار انجام نشد. او گفت: بر اساس برنامه‌ریزی‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه، امسال باید به 24 درصد کاهش مصرف آب در حوزه کشاورزی دست می‌یافتیم اما مشاهده می‌شود که در جنوب و غرب دریاچه ارومیه تا 50 درصد بیش از نیاز گیاه آبیاری می‌شود و این علاوه بر کاهش منابع آبی به ضرر محصولات کشاورزی بوده و راندمان تولید را نیز پایین می‌آورد.

در حالی که غارت منابع آبی که دریاچه ارومیه را تأمین می‌کردند، ادامه دارد، رژیم مهم‌ترین کاری که می‌کند، پر کردن این دریاچه با پساب تولیدی و فاضلاب‌ها

سرنوشت دریاچه ارومیه یک مسئله بزرگ نه تنها برای مردم ساکن شهرهای اطراف این دریاچه بلکه برای تمام مردم ایران است. به نابودی کشاندن این دریاچه توسط جمهوری اسلامی یکی از فجایع بزرگ زیست محیطی در جهان است. اعتراضات وسیع در ایران و در جهان موجب شد تا اقدامات ناچیز و محدودی برای متوقف کردن روند نابودی این دریاچه انجام شود ولی غارتگری باندهای حاکم در جمهوری اسلامی بزرگترین مانع این کار است.

در حالی که هر روزه خبر دزدی‌های هزاران میلیاردی دست اندرکاران جمهوری اسلامی منتشر می‌شود و در حالی که بخش عظیمی از دسترنج مردم و منابع طبیعی صرف انواع نیروهای سرکوب، و دستجات اوباش رژیم می‌شود، برای احیای دریاچه ارومیه اعتباری وجود ندارد. خبرگزاری تسنیم در گزارشی در ۲۰ آذر می‌نویسد: «اکنون که مرحله اجرای پروژه‌های احیای دریاچه ارومیه فرا رسیده است خبر از نبود اعتبار به گوش می‌رسد خبری که همه مردم منطقه و حتی فرا منطقه‌ای را نگران کرده است، چرا که بنا به اذعان کارشناسان، دریاچه ارومیه موضوع فرامنطقه‌ای و فرا ملی است.»

نبود اعتبار برای آغاز پروژه‌های احیای دریاچه ارومیه یعنی مرگ دریاچه ارومیه، زیرا از آغاز دوره احیای دریاچه ارومیه، تلاش‌های زیادی برای تثبیت وضعیت آن انجام شده و چنانچه پروژه‌های احیای دریاچه ارومیه آغاز نشود تابستان امسال دیگر از دریاچه ارومیه خبری نخواهد بود، در واقع وضعیت سه سال قبل دریاچه

تظاهرات های مردم در اعتراض به فاجعه خشک شدن دریاچه ارومیه در شهرهای آذربایجان بوده ایم. اکنون نیز افشاگری های گسترده و اطلاع رسانی از وضعیت دریاچه ارومیه بویژه از طریق رسانه های اجتماعی و فضای مجازی جریان دارد، انگشت اتهام همه بسوی جمهوری اسلامی نشانه رفته است و همگان از سیاست نابود سازی دریاچه ارومیه و تبعات زیست محیطی آن ابراز انزجار می کنند و این موجب وحشت جمهوری اسلامی است. احیای دریاچه ارومیه باید تحت نظارت و کنترل شوراهای مردمی، نهادهای غیر دولتی حفاظت از محیط زیست و کارشناسان بین المللی باشد تا بتواند امکان عملی شدن داشته باشد. ■

است. که این به نوبه خود به این دریاچه صدمات بیشتری میزند. روز ۲۵ بهمن خبر واریز سالیانه ۵.۸ میلیون مترمکعب از فاضلاب تصفیه خانه شهر نرده به دریاچه اعلام شد. با توجه به فساد اداری و رشوه خواری و پائین بودن استانداردها در جمهوری اسلامی به کار این تصفیه خانه ها هیچ اطمینانی نیست.

اعترافات دست اندرکاران جمهوری اسلامی نشان می دهد که برای احیای دریاچه ارومیه نمیشود به حکومتی که آنرا نابود کرده است، امیدی داشت. اقدامات ناچیزی که رژیم برای بهبود وضعیت این دریاچه انجام می دهد، تحت فشار مردم و اعتراضات وسیعی است که جریان داشته صورت گرفته است. در سالهای گذشته شاهد

**به نابودی کشاندن دریاچه ارومیه توسط جمهوری اسلامی یکی از فجایع بزرگ زیست محیطی در جهان است**



## بخش ترکی نشریه

### آنادیلی گونی و اینسانی دوشونجه

بابك شفق

الف - آنا دیلی اینسانی حق

بو مساله آیدین کی هر اینسانه آنادیلی ایستکی بیر شئیدیر اوشاقلیق دان اونان دانشیپ و چوخ راحت شکیلده سوزلرین، آرزولارین، اونان گوستریپ. اینسانلار تاریخ بوی آنادیلینه باغلی اولماقلاری بیر اینسانی، اجتماعی و نرمال مساله دیر. هر اینسان کی دونیانین هر یئرینده یاشئیر آنادیلینه یازماق و اوخوماق اونون اینسانی حقوق لارینان سایلر.

هر فیکر و دوشونجه کی بو اینسانی حقی مختلف بهانه لرینن تاپدالایر) سرکوب کردن ( اینسانی، حقوقی، سیاسی باخمیدان محکوم دور و هیچ زامان ائلییه بولمییاجاق اینسانلارین حقوق لارینن دفاع بایراقی اولسون. اما بو اورتادا) وسط( بونا اشاره ائله ماق لازیمدیر کی آنا دیلی بیر ارتباطی وسیله دیر کی هج زاماندا و مکاندا مقدس بیر دوشونجه سایلر بولمز آنادیلین مقدس ائله ماق و اونان بت یارادماق بیر نژادی و فاشیستی دوشونجه دیر اونون کناریندا بو حرکت، آنادیلین مذهبی و خرافی دوشونجه لره قاتماق دیر کی آنادیلین اینسانی و اجتماعی شکلدن چیخاردیپ و ضد انیسانی شکله سالیپر، و آنادیلی فاشیستی، نژادی و مذهبی گئدیشلرین ( جریان ها ( یانشی) سوخت ( اولور. او فاشیستی دوشونجه کی اوز آنادیلینی یوخاریدا و اوسته گورور آیری ملیت لره نفرت ائله باخیر بو فیکر آنادیلین بیر وسیله کمین ضد اینسانی اهداف اوچون بهره آپارئر و اوزونی اونون سایه سینده میدانا گتیریر تا نژادی دوشونجه لری یاپسین.

ب - آنادیلی و ملی ظولم

ملی ظولمون اولماقی ایران جامعه سینده مختلف حاکمیت لرده بیر مساله اولوبدور، استبدادی و ضد اینسانی

حاکمیت لر ملیت لرین آنادیلینه اوخوماق و یازماقی و بو اینسانی حق لرینن تاریخ بوی محروم ائدیپلر. فرق قومماق و اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امکانات دان بیر ملتی یا بیر منطقه نین اینسانلارین محروم ائله ماق اونلاری آچاق) پست ( دوشونوپ و توهین ائله ماق، ملی ظولم سایلر. رضا شاه دورسینده ملی ظولم چوخ شدتلی و گئنش شکیلده ایران جامعه سینده یائیلدی، (گسترش) او دوره حتی ترک دانشماق مدرسه لرده، و یازماق رسمی نشریه لرده قدغنه دی رضا شاه فارس لاری باشقا دوشونوردی و کردلری، ترک لری، بلوچ لاری چوخ الجاق) پست ( گوروردی او دوره فاشیستی جوك لار آیری ملیت لرین علیه یازلدی و بو ادبیات خلقین ذهنینه یسین آچدی. رضاشاهین فاشیستی دوشونجه لری و شوونیستی) نژادپرستانه ( سیاست لری ایران جامعه سینده اینسانلارین و مختلف ملیت لرین ایچینده نفرت یارادی. بو شوونیستی سیاست لر سبب اولدی ترک فاشیستی گوجلن سین و ترکی باشقا دوشونلر بو شوونیستی سیاستین قارشسی سینا گئدسینلر و اینسانی حق لری فاشیستی دوشونجه لرینن قاتسین لار و آنادیلینن بیر نردبان جورلئسین لر کی فاشیستی فیکرلری یایسینلار بو مساله آیدین دی کی ترک فاشیستی و فارس فاشیستی هر ایکیسی ده اوزلرین باشقا دوشونوللر، کوکدن) ریشه ( و ماهیتدن بیر دوشونجه، بیر فیکر، بیر باخش دئلار و ضد اینسانی دوشونجه دیلر کی اینسانلارین ایچینده نفرت یارادیلار.

البته بو شوونیستی سیاست لر جمهوری اسلامی حاکمیتینده دوام تاپر اما بو مساله آیدین دیر ملی ظولم سرمایه داری سیستمی نین استبدادی حاکمیتی ن تورئیر) بوجود می آید، رشد میکند ( اما ناسیونالیستی گئدیشلر) جریان ها ( بو ملی ظولمی فارس ملتی نین حسابینا یازیلار تا بو مساله دن سیاسی بهره آلیپ و فاشیسمی میدانا گتیرسینلر؛ چون ایستیرلر ملی ظولم اولماقن بنا توتوپ آیری ملیت لرین علیه نفرت

## آنادیلی گونی و اینسانی دوشونجه

طبقه سینین بیر لشماقینین قاباقین آلیر و کارگری دیل ،توپراق و بایراقینان آلدئر . ناسیونالیست، خالقن فیکرینی جائیدیرر تا سرمایه دارلار منفعت لرین قلاسینلار قان سورسونلار ،استثمار ائله سین لر بو آیدین مساله دیر کی ناسیونالیست لر سرمایه داری نن کوکودن بیردیله و استثمار ائله ماقینان هچ مشکل لری یوخدور تکجه بونی ایستیلر اوز ملت لرینه اوز سرمایه دار لاری حاکم اولسونلار بونا خاطر کی ناسیونالیست فیکرینین انترناسیونالیستی دوشونجه سی یوخدور بو ناسیونالیستی دوشونجه حاکم طبقه نین منفعتین تامین ائله یر ناسیونالیست تاریخ بویی خالقن اوز آنایوردونا اولان احساسات لارینان بهره لئنیپ و استفاده الئیپ لر، ناسیونالیست سیاسی باخمیدان ارتجاعی دوشونجه دیر و اینسانلارین قارشسیندا) در مقابل (اولماقی آیدین دیر .

د - ناسیونالیست نن مذهبن او یغونلوقی) هماهنگ ،هم جهت )

مذهب و ناسیونالیستی دوشونجه ایکی سیده بیر سکه نین ایکی اوزودیله . بیر فلسفه دن ،بیر ماهیتدن تورنیله هر ایکی سیده گنجه جاقی کوکده دوشونولر و مدرن فیکلرنن و دوشونجه لرینن کوکدن ضدیت لر واردی و بو فیکلرین قارشی سیندا اولولار . ناسیونالیست و مذهبن هر ایکی سینینده مقدساتی وار بیری الهی ،امامی ،قرانی ،پیغمبری مقدس بیلیر او بیر سیده توپراقی ،دیلی ،بایراقی ،)پرچم (مقدس دوشونور . هر ایکی دوشونجه اینسانلار ایچینده نفرت یایلار و اوزلرین بوتون و همیشه لیق حق گورولر . بیری کافر آدینن او بیر سیده وطن و توپراق آدینن آدم اولدورولر (کشتن (بو اساسدا بو ایکی فیکر تاریخ بویی بیر بیرینین کناریندا یاشیپ لر و بویوک جنایت لر یارادیلار بیری آدم کوره سی جورلویوپ و اینسانلاری یاندیرپ او بیر سیده گیوتین جورلویوپ و عقیده لر آختاریش دادگاهی یارادپ (دادگاه تفتیش عقاید (اینسانلاری محکوم اندپ و دیریدیری) زنده زنده (اوتدا یاندیرپ . بو ایکی فیکر آیدین دی کی ضد اینسانی دوشونجه دیله و هیچ زمان قادر اولمایا جاقلار اینسانلاری خوشبخت ائلیپ و بیر اینسانی دنیا خالقیلار اوچون یارادسینلار .

یارادسین لار . بو سوزی بوجور دئماق اولارکی فاشیستین قارشی سینا) مقابل اش ( فاشیستی نن گنڈیرلر ،هیچ زمان فاشیستین جوابی فاشیست اولابیلمز بونا خاطر کی فاشیسم بیر ضد اینسانی دوشونجه دیر کی بویوک جنایت لر تاریخ بویی یارادپ، هینلرین آدم کوره سی جورلماقی "آشویتس ده" بیر نمونه سایلر؛ چون فاشیستی دوشونجه سینین منطقی تکجه تعصب دور کی اوز ملتینی یوخاریدا گورور و آیری ملت لره نفرت ائله باخیر بو مساله نی بوجور قیساتماق اولارکی آنادیلی بیر اینسانی حق دیر و ملی ظولم محکوم دور و فاشیسم هر شکله اولماقی ضد اینسانی بیر فیکردی کی اینسانلارین حیاتین خطر ه سالیر و اونلارین ایچینده نفرت یارادیر و بیرلشماقینن قاباقین آلیر .

ج - ناسیونالیسم بیر سیاسی گنڈیش

ناسیونالیست بیر سیاسی گنڈیش دیر کی سرمایه داری سیستمی نین نابرابرلیقی اونی یارادیر .

بو بیر طبقاتی دوشونجه دیر کی اینسانلاری پارچالماق ، ملت جورلماق ، قومیت لری آیرماق ، اینسانلارا مرز یارادماق اونون سیاسی دوشونجه لری دی ناسیونالیستی فیکر تکجه دیلی ،توپراقی ، بایراقی اساس بولوری و اونلاری مقدس ائلییر و بت جورلویور بو بت یارادماق سبب اولور میلیونلار اینسانی اولدورماقی اونان توجیه ائلسین . ناسیونالیستین اولویت لری ،آزادلیق و آسایش هامی چون دگیر او ملی احساسات لاری تحریک ائله یپ و اوز سیاستین قاباقا آپاریر .

همان بو ناسیونالیستی گنڈیشلر آذربایجان و ارمنستان دا هر بیری بایراق یارادماقینان و ملتین فیکرینی جائیدیرماقینان بویوک جنایت لر یاراددیلار و اینسانلاری بیر بیری نین جانینا سالدیلار .

بونا خاطر کی ناسیونالیست دوشونجه سی او زمان کی اجتماعی اولور و اینسانلارین واقعی یاشایشیندا دخالت ائلییر فاشیسم شکلینه دوشور و اوز ملتین بنادان حق بیلیر و اونی باشقا دوشونور بو مساله دن سرمایه داری بهره آپارنپ و اوز سیاستین اولکلرده قاباقا آپاریر و کارگر

## آنادیلی گونی و اینسانی دوشونجه

### پ- اینسانی یول و انترناسیونالیستی دوشونجه

ایران جامعه سینده اینسانی یول مختلف دیلده دانیشان خالقلارا) مردم ( ملی مسله سینده نه تکجه بیرلشماقدی بلکه آنادیلین یازئپ اوخوماقدی و برابر بیر جامعه یاراماقدی که هامی ملیت لر عربلر ، کردلر ، ترک لر برابر بیر شهروندی حقوق لار مالک اولار . آیدین دی کی فاشیست دوشونجه سی هیچ زامان ملی مساله سینه جواب اولار بیلمز ؛ چون کی تاریخ بوی فاشیسم ، فاشیسم توردیپ و اینسانلارین انسانیت دن اوزاقلادیپ دی.

بیزیم باخشیمیزدا انترناسیونالیستی دوشونجه قادردی هامی اینسانلار برابرلیق ، آزاد یاشاماق یارادسین و بو فکر اینسانلاری محترم سایر هیچ ملیتی آیری ملیته دشمن گورمور بلکه بو طبقاتی و سرمایه داری حاکمیتلردی کی منفعت لرینه خاطر اینسانلارین ملیت آدینن ، مذهب آدینن ، بیر بیرین جانینان سالیلار و نفرت یارادیلار . انترناسیونالیستی دوشونجه اینسانی اساس دوشونور هر مسلویه بو زاویه دن باخیر و چالیشیر هامی اینسانلار جامعه نین ثروتی نن بهره آپار سینلار برابر شهروندی حق لره مالک اولسونلار . هر اینسانا آنادیلینه یازیب و اوخوماق و تحصیل ائله ماق و ملی ظلمون

ریشه سین قوردماق لازمدير کی بونلاری سرمایه دارنین نابرابرلیقی یارادیپ.

واقعیت ده هیچ زامان اینسانلاری آیرماقینان اینسانی هدفه یئتیشماق اولماز تکجه اینسانی یول طبقاتی بیرلشماقدی استتمارین ، نابرابرلیق ، یوخوسولوقون ، علیهینه دی کی بو حالتده اینسانی و برابر و آزاد جامعه یارادماق ممکن اولار بیلر. ■



## آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد

آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه. لغو هر نوع ارجاع در قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

**از برنامه یک دنیای بهتر- برنامه حزب کمونیست کارگری ایران**

آدلارینا مصادره اٹلیلر؟ آیا آنادیلی اونلارین شخصی یئرلریدی؟

**محسن ابراہیمی:** آنادیلی نہ یئریدی دی و نہ ده شخصی اولا بیلر . دیل اینسانین اجتماعی یاشایشینده بیر خصلت دی . دیل اینسانلارئن بیررابطه قوشماق وسیله سیدی . اگر دیلی شخصی "یئر" (ملك) حسابا گتیراق دئماق اولار کی هر شئیدن قابق بو "یئر" اینسانلارین اینسانی رابطه قوشوماق یئریدی اما ناسیونالیستی گئدیش لر دیلی ائوز یئرلری بیلیرلر تا اونان اینسانلارن علیہنه کی طبقاتی باخشان بیر درد لری واردی سیاسی بهره آپار سینلار .

ناسیونالیست لرین مسله سی ظلم و نابرابرلیق علیہنه بیرلشماق دیر، بلکه اینسانلارین ایچینده فاصله و فرق قویماقدی کی آنادیلینی مقدس ائله ماقینان آیری اینسانلارینان کی مختلف دیلدرده دانیشلار فاصله سالیلار . بو مسله ده کمونیست لر نن ناسیونالیست لرین چوخ فرقی وار بو ایکی دوشونجه ایکی سیاسی جبهه ده بیر بیرنین قارشی سینده یئرلشیرلر .

بیز کمونیست لره (برابرطلبان ضد سرمایه داری) بو مهم دور ایشچیلر (کارگران) کی مختلف دیلدرده دانیشیلار دردلری بیردی ، دشمن لری بیردی ، دویوشلری (مبارزه) بیردی .

بیزه بو مهم دور کی کارگرلر کی مختلف دیلدرده دانیشلار بیرلشدر دشمن لرینن دویوشلر تا فلاکتدن قورتار سینلار اما اونون مقابلینده ناسیونالیست لر چالیشلار کارگرلرین گوزونی کور ائله سینلر اونلارین باخشیندا ترک سرمایه دارلار ترک کارگرلرینن بیردی لر بونون کناریندا ترک کارگرلری آیری دیلده دانیشان کارگرلرینن دشمنیلر . اما بونون مقابلینده بیزیم دوشونجه میزده ترک دیلینن دانیشان کارگرلر ، کورد ، فارس و عرب دیلینه دانیشان ، کارگرلر نه تکجه بیرلیق لاری واردی بلکه دشمنلری ده بیردی و بو دشمنلر او سرمایه دارلار دی کی کارگرلرینن بیر دیلده دانیشلار

۳- **بابک شفقی:** نییه ناسیونالیست لر دیلدن بیر وسیله کیمین بهره آپارلار و اینسانی باخشیلارین قارشی سینا چیخیر لار؟

**محسن ابراہیمی:** بونا خاطر کی ناسیونالیستین باخشیندا هدف اینسانین خوشبختلیقی ، و حرمت لی اولماقی، آزاد و برابر آسایش ده یاشاماقی دیر ، هدفی اینسانی یاشایش هامی اوچون دیر تکجه ناسیونالیست لرین هدفی جامعه ده زحمت چکن خالقئن و کارگرلرین ایچینده ایرلیق و

## بابک شفقین مصاحبه سی کمونیست کارگری پارتی سنن آذربایجان کمیته سینن عضولرینن

۱- **بابک شفقی:** آیا ایران جامعه سی بوشراطه ده آنادیلین حمایت ائله ماق ناسیونالیستی گئدیش لندیرماقد دئیر؟

**محسن ابراہیمی:** بو سوالین جوابی بونا باغلیدی آنادیلین حمایت ائله ماقی نه معنادا اولا بیلر؟ سوالین ائوزی بو حسی جواب وئرندہ یارادیر کی بیر عدہ اینسانلار و یا گئدیش لر

"ایندی کی شرایط ده" آنادیلین حمایت ائله ماقین دالدا سندا اوئوز ناسیونالیستی برنامه لرین قابق آپاریلار . بو گوروماق (مشاهده) واقعیت جامعه ده آیدین دی . اونا گوره بو سوال مهم و یئرلیدی (بجا) . واقعیت بودور کی همیشه حاکم اولان طبقه لر چالیشیپ لار اینسانلاری یالانچی مختلف کوکلرینن (هویت ها) بیر بیرنن آپار سینلار ، بو ایشی گورماقینان یوخسول خالقلارین اینسانی و طبقاتی بیرلشماقینن ، حاکم اولان طبقه نین علیہنه ، مانع اولسونلار .

آیدین دی کی بو رابطه ده بیر عدہ واردیلار آنادیلینه دایماقینان اینسانلاری اینسانی کوکدن (هویت دن) بوشالديرلار تا زحمت چکن خالقلاری و کارگر طبقه سین کی ظلم آلتیندایلار مختلف قسمت لره بولماقینان ایرلیق سالیلار .

واقعیت ده اولابیلر کی ظلم آلتیندا اولان خالقئن آنادیلینه دانیشماقینان و تحصیل ائله ماقینان و ادبی هنری یارادمالارئن حاقیندان دفاع ائدیپ اما ناسیونالیستین تله سینه دوشمییه سن یا بوجور دئماق اولار کی خالقئن آنادیلینن بهره لنماقی ابتدایی تحصیل دور سینده بیر مهم خصوصیت اولار بیلر کی ظلم آلتیندا اولان خالق لی اینسانی و طبقاتی باخمانن بیرلشدریر .

بو واقعیتی گرك باشادوشاق (متوجه شدن) کی بیز بیر جامعه دن صحبت آچئریق کی هم سلطنت پهلوی دور سینده و همده جمهوری اسلامی حاکمیتندہ مختلف ملیت لری تاپدالاماق بو حاکمیت لرین کلی جامعه نی ایقلاماق سیاست لرینن بیر مهم پارچاسی (قسمت) اولویدی و ایندیده اولوری . و آیدین دی کی بو هدف چاتماق اوچون آنادیلینی تاپدماق و قدغن ائتمک نن و ساده جه وسیله کیمین اللرین کناریندا اولوپ .

۲- **بابک شفقی:** نییه ناسیونالیست لر آنادیلینی ائوز

اجتماعی امکان خالق لارین (مردم) ایچینده یارادیر . بو معنا ده آیدین دی کی هامی خالقارین حق لاریندان و بونان کناریندا ترک دیلینده دانشان خالقین حقین آنادیلین دانیشماق و اوئردماق و تحصیل ائله ماق و هنری و ادبی عرصه لرده بوننان دفاع ائله ماق اولار .

گرك حاكم اولان طبقه نین و اونى ساخلییانلارین فرق قویماقلارین و آنادیلین تاپدالاماقلارین قارشیسیندا دایانیپ و دویوشاق .

کمونست کارگری پارتیسین آذربایجان کمیته سی بونا گورا یاراندی کی تا آذربایجاندا کارگرلرین ، قادین لارین ، جوان لارین صفین جمهوری اسلامی حاکمیتین و ناسیونالیستی ارتجاعی دوشونجه لرین علیهینه گوجلندیرسین .

بو دوشونجه اساسیندا آیدین دی کی فرق قویماقی سون (پایان) وئردماق و ملی ظلمی کوکدن قوردماق آذربایجان کمیته سین گنیش چالشلارین بیردی .

**بابک شفق:** سیز کمیته آذربایجانین فعال قوه لرین سالیسیز جهانی آنادیلی گونونی دیل بارسینده نئجه دوشونوسوز ؟

**فراز آزادی:** من فکر ائدیرم هر اینسانا آنادیلی نه تکجه اهمیت وار بلکه محترم سایلر و آیدین دیر کی هر کس ائوز آنادیلینه عادت ائلیپ و دنیایه گوز آچاننان احساساتین و فیکرلرین اونان راحت بیان ائلیپ . من باخشیمدا آنادیلی نین اهمیتی عظمت ایستی یین ناسیونالیستین (ناسیونالیست عظمت طلب فارس) فشارلارین نان تورنیر (وجود آمدن) کی جامعه نین مقاومتی فرق قویماقین مقابلنده و حق سیزلیقین و ، تاپدالاماقین قارشى سیندا (در مقابل) معنا تاپیر و جهانی آنادیلی گونونی بو باخمیدان (نگرش) مهم اولور اما ناسیونالیستی باخمیدان کی دیلی تقدس بورویور (آمیخته کردن) تا اونان فاشیستی و ارتجاعی هدف لری اوچون بهره آپارسین . اما اینسانی و کمونیستی باخمیدان هامی اینسانلارین آنا دیلینه درس اوخوماق و اجتماعی رابطه لرده آنادیلینه دانشماق حق لردی .

بو دوشونجه اساسیندا جهانی آنادیلی گونی منی کمونیست کارگریه بیر اینسانی حق و بیر نشانه فرق قویوماق علیهینه دیر .

نفاق سالماقدی . تا بیر شرایط یارادسینلار کی سرمایه دار ی بیر مشخص جغرافیاده "وطن داش" (هموطن) کارگرلرکی بیر دیلده دیلر غارت ائده . هر شئی کی بو مسلییه یاردم (کمک) ائده واقعت ده ناسیونالیستین دالی سیجان گندماق اولور .

ناسیونالیست لرین بازارلاری نه تکجه خالقاری آیری سالماق و نفرت یارادماقن قیزیشیری (داغ شدن) بلکه آنادیلین دفاع ائله ماق دالاسیندا گیزله نیلر چون کی آیدین دی دیل اینسانین یاشایشین بیر پارچاسیدی کی حاکم اولان اجتماعی طبقات طرفین تاپدالانیپ و ناسیونالیست لر بو امکان نان عاطفی حسی لری دیکلدیلر و آیری خالقارین علیهینه کی دیللری فرقی لی دی بهره آپاریلار .

۴- **بابک شفق:** نییه ناسیونالیست لر ملی ظلمی "حاکم اولان ملته" ربط وئریرلر اما حاکم اولان نظمین قارشى سینا گندماقی یدان چبخار دیلار ؟

**محسن ابراهیمی:** "حاکم اولان ملت"؟! حاکم ملتین جامعه ده معناسی یوخدور . هیچ زامان "ملت لر" حاکم اولمییپ لر بلکه اجتماعی طبقه لرین دولت لری حاکمیت لرده اولوپلار و حاکم اولان ملت لرین آدین کارگر طبقه سینه "و مختلف ملیت لر" و خلفاره ظلم آلتیندا حکومت ائدیپ لر . ناسیونالیست لر ملی ظلمی "حاکم اولان ملته" ربط وئرماقینان حاکم اولان اجتماعی طبقه نین گناه سیز لیقن گستریرلر تا حاکم اولان طبقاتی ، خالقن (مردم) گوزونن اوزاقلادسینلار .

آیدین دی کی بیر آئیخ جامعه ده طبقاتی منفعت لر اساسیندا کارگرلر بیر صف ده ، بیر دویوش میداندا حاکم طبقه نین و سرمایه دارلارین علیهینه بیر لشیپ لر بو حالتده کل ناسیونالیست لرین ایقلارین آلتی بوشالار ؛ حتی ترک ناسیونالیستی "وطن داشی" (هم وطن) اولماقینان و بیر دیل دانیشماق آدین کارگری غارت ائدیر اونلارین ایقلارین آلتی بوشالر .

او کارگرین کی طبقاتی آئیخ لقی وار و دشمنین تانییر ملی هیجان لارنان آلاماق اولماز .

۵- **بابک شفق:** سیز آذربایجان کمیته سینین دبیری اولاراق باخشیز آنا دیلینه نه او لا بیلر ؟

**محسن ابراهیمی:** بو موضوع دا گنچه جاقدایر بیر مقاله ده کی آدی (ناسیونالیستین دویوشی دیل اوسته) مفصل صحبت ائله میشم بوردا قیساجا اشاره ائده مه لییم کی دیل ائوز لوقوندا تقدوسی یوخدور آنا دیلی تکجه بونا خاطر مهم دور کی بیر عاطفی ، مدنی ، سیاسی و



تا خالق‌لارین (مردم) بیرلشمیقین دیکتاتور لاری قارشی سیندا (در مقابل) قاباقین آلسینلار و استبدادی حاکمیت لر بو وسیله دن تاریخ بویی بهره آپار یپ لار بونا خاطر دیکتاتورلارا بو مسئله مهم دور.

۵- **بابک شفق:** کمونیست کارگری پارتیسین آذربایجان کمیته سی کی همیشه اجتماعی، سیاسی، مدنی چالیشانلار دان حمایت ائدیپ حتی مرتضی مراد پورون مسئله سینده بو حمایت چوخ آیدین و گنیش دی.

سیزین باخشیزدا آذربایجان کمیته سینین انسانی یولی مختلف دیلده دانشان قومیت لر نه اولابیلر ؟

**فراز آزادی:** بیزیم باخشمیزدا مختلف دیلره ایران جامعه سینده کمونیست کارگری پارتیسین (حزب) رسمی و یازلمش برنامه سینده (بیر یاخشی دنیا) اشاره اتمیشق. اودا بودورکی هامی دیلترین ارزشی اولا و رسمی دیل یارادماق و اونی اجباری ائلماق یاساق دور (ممنوع دور) دولت قادردی مملکت ده دیلترین ایچینده بیر دیلی ادارای دیل و اصلی و آموزشی دیل عنوانن دا آیدین لادا بیر طرفدن قادر اولا، اجتماعی و آموزشی امکان لاری آیری دیلده دانشانلارا یارادا وهر اینسانین حق اولا ائوز آنادیلی ن اجتماعی امکانلاردا و چالیشماق لاردا بهره آپار سین و بو حق همیشه لیک اولسون. پس بئله آیدین لاماق اولارکی بیزیم رسمی دیله اعتقادیمیز یوخدور.

آنا دیلی هر منطقه دانشان دیل او جغرافیایی دا آیدین لاشیر یا بئله ده دئماق اولارکی هر منطقه جغرافیایی ده بیر دیلین دانشیلارکی ائله ماق اولارکی اوننان تحصیل ائدیپ و اجتماعی رابطه لرده بهره آپارماق آنادیلین یئری بیزیم باخشمیزدا آیدین دی کی آنادیلینی مهم و اهمیتی دوشونورق. بوبینادا، (اساس) ائله ماق اولار کی بیر ادارای دیل سچمگینن میلیون لار اینسان لار آراسیندا بیر مملکت ده رای وئرلن سین لر و ادارای دیل سچسینلر و هیچ دیلین اولویتی آیری دیلره اولماسین تکجه ارتباطی احتیاجلار مملکتین هر یئرینده یولا سالاسین.

۱- **بابک شفق:** آنادیلی گونون سیز هانسی انسانی معیارلارین اولچورسوز ؟

مسعود کریمی: دیل اینسانین یاشایشندا و فیکرینده و رفتاریندا چوخ مهم بیر مسئله سایلر. چوخ آرزاق (کم) انیسان تاپیلار کی

**بابک شفق:** سیزین نظریزه آنادیلی اینسانی حق لردن سایلر و بو اولویتی آیری حقوق لارن قراغیندا (کناریندا) نئجه گوروسوز ؟

**فراز آزادی:** آنادیلینه دانشماق بیر جهانی حق دیر من هر جوره فرق قوماقینان، دیل باره سینده مخالفم؛ چون من اوئزوم یاشایشم ده چوخ دفعه لر بوفرقت قویوماقی گوروموشم بونا خاطر بو فرقی لره سون (پایان) وئرماقا منیم باخشمیدا اجتماعی فرق لردن و، نابرابرلیق لاردا قوتارماق لازم دئیر. واقعیت ده من بو فرق لرین کوکونی (ریشه) طبقاتی ظلم ده گورورم. بیر جامعه ده کی هامی اینسانلار مختلف دیل لرین، ملیت لرین، نژاد لارنان برابر حقوق شهروندی دن بهره آپارالار هر اینسان قادر اولا ائوز آنادیلینه تحصیل ائلییه. منیم باخشمیدا بئله نتیجه الماق اولار کی آنادیلی مهم اولماقی اینسانی حق لرین و طبقاتی نابرابرلیقن آرادان گندمسینن کناریندا معنا تاپر بونا خاطر کی بوگون دونیانین چوخ یئرینده مختلف جامعه لرده اینسانلارکی آنادیلینه یازنپ و اوخویولار اما یوخوسولوق نان و سرمایه داری سیستمی و اونون اجتماعی نابرابرلیق نان آرادان گندیلر.

**بابک شفق:** ناسیونالیستی گندیشلر آنادیلین قومی نفرتی و نژادی دوشونجه یاردماق اوچون بهره آپاریلار سیزین باخشیز بو مسئله ندئیر ؟

**فراز آزادی:** ناسیونالیست لر سرمایه داری سیستمین ساخلاماق اوچون آنادیلینی اصلی و مهم بیر مسئله تبدیل ائلییلر تا ظلم گورن کارگرلرین گوزونه توپراق سپسینلر تا قادر اولسون لار سرمایه دارینی حفظ ائلیپ و کارگری انقلابین قاباق آلسینلار. ناسیونالیست لر بو مسئله نی مهم ائله ماقینان واقعیت ده خلقی و انقلابی اصلی هدفی کی سرمایه دارلارین حاکمیت یئخماق و سوسیالیستی نظامی یارادماقدی جائیدیرلار. (منحرف کردن) وارتجاعی سیاستلرین قاباقا آپار ماق اوچون دیلی مقدس ائلیپ و قومی نفرتی یارادیلار کی ناسیونالیست لرین بو اصلی سیاست لردی.

**بابک شفق:** سیزین باخشیزدا ملی ظلم ریشه سی آیری ملیت لردن تورنیر یا اوسیستمین یارانئر کی جامعه اونان اداره اولور ؟

**فراز آزادی:** ملی ظلم طبقاتی ظلمون بیر پارچاسیدی (بخش) کی اوننان ایرماق اولماز.

بوناخاطر طبقاتی ظلم ایران کیمین جامعه لرده، عملی ائله ماق اوچون ملی ظلم دن بیر سیاسی وسیله یارادیلار

باخشلارین میدانا کتیرسین لر ، سنگرلرینن چیخپ و فاشیستی هدف لرینه چاتماق اوچون خلقین احساسلارینان بهره آپاریپ لار و قاباقا گندماق اوچون آنادیلین دیککدلیپ لر . (برجسته کردن)

۴- **بابک شفق:** سیز کی آذربایجان کمیته سینین فعال عضولرینن سالیسیز دیل مسله سینین چاره یولون نجور آیدین لاشدئرسیز ؟

**مسعود کریمی:** منیم باخشیدما سرمایه داری دونیاسیندا بو سیاسی اوینلاردان خلاص اولماق اوچون کی قادر اولا گلجکده ناسیونالیستین و فاشیستین قان توکوماقینا سون قویا ؛ بیرنجی سیاسی قدم آیدین لاشدیرماق مختلف زاویه لرده اولا بیلر . بو اورتادا منصور حکمتین یازدیقی "بیر یاخشی دونیا" کی اشاره ائدیر هر اولکده مختلف دیلرین اعتباری اولا و رسمی دیل زور اولمیه و دولت بو امکان یارادا کی بیر دیل دیل لرین ایچینده اداری و آموزشی دیل سئچیله و آیری دیل لر اوچون اجتماعی، سیاسی، آموزشی امکانات یارانا هر کمیم ائلییه بوله آنادیلین اجتماعی یاشایشینده بهره آپارا و بو حق اونون اوچون همیشه لیق اولا .

۱- **بابک شفق:** سیز کی کمونیست کارگری پارتیسینن (حزب) آذربایجان کمیته سینین فعال قادین (زن) عضولرینن سالیسیز جهانی آنادیلی گونونه باخشیز نه اولا بیلر ؟

**شهلا خباززاده:** اکثر اینسانلار حسی لرین عاطفه لرین آنادیلینن فیکرله شیلر و آنادیلینن راحت تر ویاخشی باخش لارین و شخصیت لرین گستریلر .

بو باخمیدان آنادیلی قاباق الماق جامعه ده و خلقین ایچینده آزادلیقین و اینسانی رابطه لرین قاباقین الماقدی .

۲- **بابک شفق:** نئی ناسیونالیستی گندیش لر آذربایجان دا قادین لارین حق لرینن (حقوق زنان) صحبت آچمئلار بو مسله نین ریشه سی هاردان تورنیر ؟

**شهلا خباززاده:** ناسیونالیستی دوشونجه سی بیر کلی باخمیدان اینسانی حق لرین و ارزش لرین قارشی سینده یئر شیر . ملی منفعت لر کی ناسیونالیست لر میدان کتیریلر محدود بیر جغرافیایی منطقه ده معنا تاپر کی بو بیر اجتماعی طبقه نین منفعتی نین دالیسیندادی .

بو طبقه تکجه سرمایه دار طبقه سینده خلاصه اولمور .

قادین لارین (زنان) اشاغا اجتماعی موقعیت لر سرمایه

گوندلیک (روزمره) یاشایشینده آنادیلینه دانیشماقدان لذت آپارمیه . بیز اینسانلار هر قدر کی آیری دیلر مسلط اولاق تکجه آنادیلینن حسی لریمیزی فیکلریمیزی گوستریک او دیلی کی اول دنیا یا گوز آچان زمانان دانیشمشق .

آنادیلی بارسینده مختلف معنالار گستریلر .

آنا دیلی بارسینده آنا و آتاین تاثیرلری چوخ گوز گلیر خصوصاً آتاین تاثیر گنیش دی بو ذهنیت یارانیر کی بو آنادیلی بیر دانیشق دی کی انیسان دونیایه گوز آچانان مکتب سیز اوئر نیپ ، کلاسیک و سیستماتیک حالتی اولمایپ بو دیل آنالار رابطه سین اوشاقلارینان ائوزونی نشان وئر یپ . آنادیلی بیر دیل دی کی هر اینسان اونان فیکرلشیر ، بوخوی گورور و یاشایش باشلایر . آنادیلی بیر دیل دی کی هر اینسان اونان راحت ائلیه بولور حس لرین گسترسین و اجتماعی و اینسانی رابطه لرین اونان باشلایر .

آنادیلی گونی هر اینسانا امکان یارادیر نه تکجه ائوز حقینن دفاع ائله سین بلکه اجتماعی و طبقاتی فرق لرین قارشی سینا چخسین .

۲- **بابک شفق:** بعضی اینسانلار آنادیلینه تعصب لی باخشلاری واردی بو تعصبون کوکی هاردان اولا بیلر ؟

**مسعود کریمی:** سرمایه داری سیستمی نین ترسه (وارونه) دونیاسیندا آنادیلی بیر سیاسی وسیله اولوپ کی سیاسی هدف لر اوچون بهره آپاریلار .

گنیش دونیادا ۶۰۰۰ مین مختلف دیل وار اینسانلارین قدرتین رابطه قوشوماقدا گستریر ، کی هیچ دیل باشقا اولا بیلمز ؛ کی ناسیونالیستی باخشان سیاسی بیر وسیله اولا تکجه فرقی کی بو اورتادا آیدین دی تکنولوژی دیلی دی کی ائوزونی آیری دیلر تحمیل ائلیپ و باشقالیق گستریریپ .

۳- **بابک شفق:** نییه ناسیونالیست لر آنادیلینن فاشیست اوچون نردبان یارادیلار ؟

**مسعود کریمی:** چوخ تاسفلی دی کی بویوک لیق ایستینن ایرانی ناسیونالیست (ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی) فرق قویماق و ملیت لر تحقیر ائله ماق اسلامی حاکمیتده ریشه له نیپ و گنیش تبلیغات اثرینده مثلا ایرانی لار هنر صاحبی دی ، فارسی شکردی و آیری مثال لار کتیرماق اولا . چوخ لاری بو ساده جه حقیقتدن غافل دیلر کی هر کیمین آنادیلی ائوزونه نه تکجه شیرین دی بلکه بال کیمیندی . بونا خاطر دی کی مختلف ناسیونالیستی دوشونجه لره امکان یارنیپ سیاسی

تبلیغاتا یو خودر بو آیدین دی کی ظلم گورن و عذاب چکن اینسان راضی اولمیاجاق بو ظلم آیری شکلیده دوام تاپسین . بو ظلم گورموش آنانین شهامتی زندانی لارین وضعیتن آیدین لاشدیردی گرك بو ننان حمایت ائله ماق لازم دئیر تا مرتضی مرداد پور آناسینن شهامتی ایشی هامی آنالار الگو اولا .

۴- **بابک شفق:** قادین لارین نابرابرلیقی و کیش لارین باشقا اولماقین (مرد سالاری) آذربایجان دا ننجور آرا لاشدیرسیز (تحلیل، تجزیه کردن)؟

**شهلا خباززاده:** قادین لارین وضعیتن آذربایجاندا ، ایرانین آیری منطقه لارین کی جمهوری اسلامی حاکمیتده دی ایرماق اولماز . اسلامی حاکمیتین اولماقی باعث اولوب ارتجاعی بربریت زمانینن قانون لار ایران قادین لارینن یاشاشینده حاکم اولسون . ، او قانونلار کی قادین لاری یاری (نصف) اینسانی دوشونولر چوخ یئرلرده و موضوع لاردا قادین لار اونوز جانارینا و سرنوشت لارینه مالک دئیر جمهوری اسلامی نین کیشن

داری نین منفعت لارینن دی ،

قادین لارین اوجوز ایش قووه لری (نیرو کار ارزان) سرمایه دارلارین بیر هدف لارینن سایلر نئجه کی آیدین دی سرمایه داری دانیشماق آزادلیقی (آزادی بیان) اونوز جنسی سوینلر حق لرینده (حقوق همجنس گرایان) اوشاقلار حق لرینده (حقوق کودکان) صحبت آچمیر و هر زمانکی قدرت ده اولور مختلف بهانه لارینن و ملی منفعت لر آدینن اینسانی حق لر تاپدالیپ و ایاغلایر .

۳- **بابک شفق:** تازالیقدا مرتضی مراد پور آناسی آرش صادقی دن حمایت ائلیپ و اعتصاب غذا سینا سون (پایان) قویماق ایستر دی بو پیامدا چوخ اینسانی حسی لر واردی کی فاشیستین قارشی سینا چیخدی سیزین نظریز و باخشیز بوجور شهامت دی قادین لار نه اولابیلر ؟

**شهلا خباز زاده:** مصعومه امانی نین بیر اینسانی پیامی واردی چوخ مهم و ارزشلیدی (بارزش) بو نون صحبت لارین هنج بیر ربطی ناسیونالیسم و فاشیستی

**فرکانس: 12594**

**پلاریزاسیون عمودی: V**

**سمبل ریت: 27500**

**کانال جدید را ببینید**

**شبکه ماهواره ای: یاه ست**

**نام شبکه Kanal Jadid**

**تلویزیون کانال جدید را به دوستان و**

**آشنایان خود معرفی کنید**

**کانال جدید صدای انسانیت، آزادی خواهی و**

**برابری طلبی است**

**کانال جدید صدای جنبش های اعتراضی**

**عدالت خواهانه در ایران است**

**ایمیل ها و تلفن تماس با کمیته آذربایجان:**

**www.sahand-azadi.com**

**آدرس سایت:**

**www.facebook.com/sahandazadiwpi**

**فیس بوک:**

**ebrahimi1917@gmail.com**

**دبیر کمیته:**

**farazazadi54@gmail.com**

**ایمیل سردبیر:**

**e.owji49@gmail.com**

**همکار فنی، اسماعیل اوجی:**

**تماس تلفنی با نشریه و کمیته:**

**00491785598886**

**شهلا خباز زاده:**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد سوسیالیسم**